

یادداشت‌های پراکنده

علامه محمد اقبال

مترجم: دکتر محمد ریاض



مرکز تحقیقات فارس اریزو پاک‌نیش اسلام‌آباد

Stray Reflections

By
Allama Iqbal

Translator/Annotator
Dr. Muhammad Riaz



IRAN PAKISTAN INSTITUTE OF
PERSIAN STUDIES ISLAMABAD – 1989

مجموعه
کتابخانه

۷۰
شماره
۹۱۶۷

یادداشت‌های پراکنده

علامه محمد اقبال



مترجم: دکتر محمد ریاض



مرکز تحقیقات فارس اریزو پاکستان اسلام آباد

۱۳۶۸ هـ ش - ۱۹۸۹ م

شماره ردیف ۱۱۳

گنجینه ادب ۲۱



انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

سخن مدیر

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان همواره به آثار علامه اقبال شاعر و فیلسوف بزرگ شبه قاره توجه داشته و در نشر آن کوشیده است. علامه اقبال تنها متعلق به شبه قاره پاکستان و هند نیست بلکه چون دیوان خود را به فارسی سروده و گرایش عمیق به اسلام داشته متعلق به همه جهان اسلام و کشورهای فارسی زبان است. کتاب حاضر با آن که از نظر حجم کم است اما از نظر معنی و عمق اندیشه بسیار است. درباره شرح حال و چگونگی ترتیب کتاب به زبان انگلیسی در پیش گفتار سخن آمده و در اینجا تکرار نمی کنیم و در مقام نقد مطالبه هم بر نمی آییم، چون سخنان بزرگی است از شخصیتی والا مقام که هر کسی می تواند از آن بهره یی معنوی به دست آورد. اصل کتاب به زبان انگلیسی بود که جناب دکتر محمد ریاض رئیس بخش اقبالیات در دانشگاه آزاد علامه اقبال و استاد اقبال شناس به ترجمه آن به فارسی پرداختند.

دوست فاضل و همکار محترم جناب علی پیرنیا آن را باز نویسی و تصحیح کردند و تصحیح نسخه مطبوعه نیز بر عهده

ایشان بود و بنده کمترین هم بار دیگر آن را خواندم و با مشورت مترجم محترم و با مراجعه به متن اصلی تا آنجا که ممکن بود متن فارسی را اصلاح کردم و این کار بنا به توصیه استاد مترجم صورت پذیرفت. متن کتاب آن چنان که از عنوانش پیداست یاد داشتهای پراکنده علامه اقبال در دووان جوانی و بلوغ فکری است. اگرچه در ظاهر پراکنده به نظر می رسد اما خواننده آگاه با توجه به دیگر آثار علامه اقبال می تواند از مجموع این سخنان پراکنده دستگاہی منسجم از لحاظ اندیشه تصور کند. این سخنان در اوقات گوناگون از ذهن شاعر و فیلسوف تراویده و هر جمله یی حکایت از عمق اندیشه و نگرشی ژرف دارد که خوانندگان را بسیار سود بخش است. تفکر، اسلام، تعهد و احساس مسؤولیت در تمامی سخنان ادراک می شود و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان افتخار دارد که پاره یی از آثار آن مرد بزرگ را انتشار دهد.

دکتر احمد تمیم داری

مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

اسفند ماه ۱۳۶۷ شمسی

شناسنامه این کتاب

نام	:	یاد داشت‌های پراکنده
نگارنده	:	علامه محمد اقبال
مترجم	:	دکتر محمد ریاض
مصححان	:	علی پیرنیا - دکتر احمد تمیم داری
ناشر	:	مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
ماشین نویس	:	عبد الرشید لطیف
شماره ردیف	:	۱۱۳
تعداد	:	۱۰۰۰
چاپخانه	:	منزا پرس - اسلام آباد
تاریخ پخش	:	اسفند ماه ۱۳۶۷ شمسی ۱۴۰۹/۵ ۱۹۸۹م
بهاء	:	۴۵ روپیه پاکستانی

یاد داشت مترجم

علامه محمد اقبال (۱۸۷۷-۱۹۳۸) رحمه الله علیه ، نه تنها شاعر، فیلسوف، مربی، مصلح، سیاستمدار، حقوقدان، اسلام شناس و دانای راز بود، بلکه به سبب مطالعات وسیع، تعلیماتی عمیق و افکاری متعالی در خلال اشعار او جای گرفته است.

آثار او در واقع مبین بصیرت و وسعت نظراوست.

قطره از سیلاب من بیگانه به
قلزم از آشوب او دیوانه به

در نمی‌کنجد به جو، عمان من
بحرها باید پی طوفان من
(اسرار خودی)

*

بحرم و از من کم آشوبی خطاست
آنکه در قعرم فرو آید کجاست

یک جهان بر ساحل من آرمید
از کران غیر از رم موجی ندید
(جاوید نامه)

مجموعه یادداشت‌های پراکنده که در سال ۱۹۱۰ نوشته شده، بیشتر جنبه‌های ذوقی را در اقبال نشان می‌دهد. در این مختصر ۱۲۵ موضوع مختلف و شش کایشه فراهم آمده. یادداشت‌ها در سال ۱۹۱۷ در سه شماره پیاپی مجله انگلیسی نیوایریا (New Area) به چاپ رسیده. چنان که خواهیم دید این دفتر می‌تواند نشان دهنده علاقه‌مندی نویسنده به مسائل اسلام، تاریخ اسلام، فلسفه، جامعه‌شناسی، ادبیات اردو، انگلیسی، آلمانی، عربی، فارسی، مطالعه ادیان و فرهنگ و تمدن باشد.

نظریات و نتیجه‌گیریهای منطقی او چنان جالب، منصفانه و قوی است که خواننده کمتر به فکر ابراز رأی مخالف می‌افتد.

در مورد اهمیت این دفتر و هم چنین سال دقیق نگارش آن آقای دکتر جاوید اقبال که هم اکنون از قضات معتبر دیوان عالی کشور هستند، به اندازه کافی وقانع کننده توضیحاتی آورده‌اند، که افزودن چیزی بر آن شاید بی‌مورد به نظر آید.

یادداشت‌ها در هند و پاکستان بطور جداگانه به زبان اردو ترجمه شده و به چاپ رسیده است. بنده به عنوان مترجم پاکستانی، حواشی ضروری را برای فارسی‌زبانان اضافه کرده‌ام و تا حد امکان در اختصار کوشیده‌ام.

درمورد شیوه فارسی نویسی خود از خوانندگان پوزش می طلبیم،
باوجود آن که مدت هفت سال با فارسی زبانان معاشر بوده ام و طی
دو دهه گذشته مطالب بسیاری را به فارسی نوشته و چاپ کرده ام،
بازهم اگر این ترجمه برای آنان مفهوم و گویا باشد سرفراز خواهم
بود .

دکتر محمد ریاض

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
سخن مدیر	
یادداشت مترجم	
پیشگفتار	
۱ -- هنر	۱
۲ -- انکشاف	۲۸
۳ -- خرد آدمی	۲۹
۴ -- جنبه اقتصادی خیرات	۳۰
۵ -- وجود خدا	۳۱
۶ -- گفتگو	۳۲
۷ -- ارضای خود پسندی	۳۳
۸ -- روانشناسی تلخ	۳۴
۹ -- نیروی باور داشتن	۳۵
۱۰ -- خدا در اسلام	۳۶
۱۱ -- نظام فلسفی هگل	۳۷
۱۲ -- پانزدهم ماه می ۱۹۱۰	۳۸
۱۳ -- اساس حکومتها	۳۹
۱۴ -- شعر و حقیقت منطقی	۴۰

ب

موضوع	صفحہ
۱۵ -- فنا ناپذیری خودی	۳۴
۱۶ -- تاریخ	۳۶
۱۷ -- علم ماورای طبیعت	۳۷
۱۸ -- تعصب	،،
۱۹ -- وطن پرستی	۳۹
۲۰ -- عدالت	،،
۲۱ -- وحدت منافع و مسؤولیت مسلمانان	۴۰
۲۲ -- ملت آلمان	۴۱
۲۳ -- ہندوی عصر نوین	۴۲
۲۴ -- حقیقت و قدرت	۴۳
۲۵ -- آئندہ افغانستان	،،
۲۶ -- زندگی بہ عنوان نقد شعر	۴۴
۲۷ -- مسیحیت اروپایی	،،
۲۸ -- مسیح و اسپینوزا	۴۵
۲۹ -- ارسطو	،،
۳۰ -- جنون نیچہ	۴۶
۳۱ -- اورنگ زیب	۴۸
۳۲ -- فتح ایران	

پ

صفحه	موضوع
۴۸	۳۳ -- غالب
۴۹	۳۴ -- سرپرستی ملل
۵۰	۳۵ -- معروفیت یک شعر
۵۰	۳۶ -- هگل ، گوته ، غالب ، بیدل و وردزورث
۵۱	۳۷ -- تمثیلات
۵۱	۳۸ -- سهم یهودیان در تمدن
۵۱	۳۹ -- مازینی
۵۱	۴۰ -- وابستگی علم به مسائل ماوراء الطبیعه
۵۲	۴۱ -- علم جدید و دموکراسی
۵۲	۴۲ -- ارتباط افکار با زمینه تاریخی آنها
۵۳	۴۳ -- تعدد زوجات
۵۵	۴۴ -- آرمان معنوی ملت آلمان
۵۶	۴۵ -- در دوست داشتن دشمن
۵۶	۴۶ -- آرمانها
۵۷	۴۷ -- و بال کردن سفید پوستها
۵۷	۴۸ -- فاووست ، نوشته گوته
۵۸	۴۹ -- میلتون
۵۸	۵۰ -- روح اسکار وایلد
۵۸	۵۱ -- ملل راهزن

ت

صفحه	موضوع
۵۹	۵۲ -- حافظه انسان
”	۵۳ -- سرگرمیها در کشورهای مسلمان
۶۰	۵۴ -- نیروی اقلیتها
۶۱	۵۵ -- شک و مذهب
”	۵۶ -- شعر عرب
۶۲	۵۷ -- حیرت
۶۳	۵۸ -- دورانی حساس برای مسلمانان هند
۶۴	۵۹ -- تفسیر تاریخ
”	۶۰ -- برابری
۶۵	۶۱ -- ارزش اشیاء
۶۶	۶۲ -- غایت آموزش و پرورش
”	۶۳ -- خدا توانایی است
”	۶۴ -- انسان قدرتمند
۶۷	۶۵ -- اثر قدرت
”	۶۶ -- اندیشه مرد توانا
”	۶۷ -- در انتظار مهدی
۶۸	۶۸ -- اندیشه ملیت
”	۶۹ -- ضوابط لازم الاجرای اخلاقی کانت

ث

موضوع	صفحه
۷۰ - تجدید حیات وجودی مرده	۶۸
۷۱ - خویشتن داری	۶۹
۷۲ - بت پرستی	”
۷۳ - تاریخ حیرت انگیز جامعه اسلامی	”
۷۴ - طرح جهانی نو	۷۰
۷۵ -- رنج	”
۷۶ - بینهایت	۷۱
۷۷ -- شاعر و واقعیت جهان	”
۷۸ -- ابهام و پیچیدگی	”
۷۹ - گرامافون تاریخ	۷۲
۸۰ - زهد و گناه	”
۸۱ -- مردم پرهیزگار	”
۸۲ - اندیشه بدون عمل	”
۸۳ -- موفقیت در زندگی	۷۳
۸۴ -- رسیدن به رهبری ملت	”
۸۵ -- انسان موفق	”
۸۶ -- ذهن تنبل	۷۴
۸۷ -- ارزش اخلاقی رنج	”

ج

موضوع	صفحه
۸۸ -- کتابخانه بزرگ	۷۴
۸۹ -- معجزه	۷۵
۹۰ -- دموکراسی	۷۶
۹۱ -- دموکراسی و استعمار طلبی	”
۹۲ -- خوانندگان اخلاقی	۷۷
۹۳ -- ناجیان جوان وزن مسلمان	”
۹۴ -- شاعران و سیاستمداران	”
۹۵ -- پیامبر	۷۸
۹۶ -- فلسفه و شعر	”
۹۷ -- افلاطون و گوته	”
۹۸ -- فریبنده ترین چیز روی زمین	۷۹
۹۹ -- برابری اجتماعی بدون اعتقاد مذهبی	”
۱۰۰ -- غروب آفتاب در کنار رودخانه ” راوی “	۸۰
۱۰۱ -- زندگی سیاسی واقعی	”
۱۰۲ -- اهمیت ازدواج واقعی	”
۱۰۳ -- خدا و شیطان	۸۱
۱۰۴ -- در اندیشه شیطان	”
۱۰۵ -- شکرگزاری	”

چ

صفحه	موضوع
۸۲	۱۰۶ -- روانشناسی و شاعر
”	۱۰۷ -- عزیزه جمع آواری گواهی نامه حسن اخلاق
”	۱۰۸ -- تشریح ذهن انسان
۸۳	۱۰۹ -- انسان و بینهایت
”	۱۱۰ -- شاعر به عنوان انسان
۸۴	۱۱۱ -- اثر فلسفه و شعر
”	۱۱۲ -- شکسپیر و گوته
۸۵	۱۱۳ -- ارزش لحظات
”	۱۱۴ -- علم و تجربه
۸۶	۱۱۵ -- حقایق عادی
”	۱۱۶ -- هوراس ، مونین و آزاد
۸۷	۱۱۷ -- نقد ادبی
۸۸	۱۱۸ -- گوته و هاینه
”	۱۱۹ -- حافظ
”	۱۲۰ -- عشق چون کودک شوخی است
۸۹	۱۲۱ -- در جستجوی خرد
”	۱۲۲ -- انسان با هدفی واحد
”	۱۲۳ -- هنر به تنهایی نا محدود است
۹۰	۱۲۴ -- دانش مطلق و تعالی اخلاقی
”	۱۲۵ -- چاپلوسی

ح

صفحه	موضوع
۹۱	یاد داشت‌های پراکنده (۲)
۹۵	دموکراسی اسلامی
۹۵	انتقاد پیامبر ما از شعر عربی معاصرانش
۱۰۰	یاد داشت‌های پراکنده (۳)
۱۰۳	نیچه و جلال الدین رومی

پیشگفتار

این دفتر در میان مجموعه یادداشتها و مقالات علامه محمد اقبال به دست آمده است. چنین به نظر می رسد که اقبال از روز ۲۷ آوریل ۱۹۱۰ میلادی نوشتن این سطور را آغاز کرده و چند ماهی ادامه داده، سپس به علت نا معلومی از ادامه این کار سر باز زده است. نویسنده خود عنوان "یادداشتهای پراکنده*"، را انتخاب کرده است. نوشته ها شتابزده و متنوع است و ذکر کتب مورد مطالعه، افکار و احساسات، اشاراتی درباره محیط زندگی و خاطرات روزهای دانشجویی نویسنده را در بر می گیرد. ممکن است که ما با بعض اظهار نظر ها و تصورات اقبال که در این مجموعه ارائه می شود توافقی نداشته باشیم ولی می توانیم از این طریق تا حد بسیاری به زنده دلی، پرمایکی و باروری ذهن این شاعر توانا پی ببریم. می توانیم او را در ابعاد مختلف ملاحظه کنیم و در زمینه های هنر، فلسفه، ادبیات، سیاست و دین افکار او را بشناسیم. او هم چنین در مورد اثرات روانی استعمار در کشور های تحت فشار اشاراتی دارد.

* عنوان کتاب -- Stray thoughts بوده ولی سپس - thoughts
خط خورده و به جای آن Reflections آمده است .

میبک نویسنده‌ی اقبال به غایت ساده، صریح و موثر است. کلام تندوی معمولاً هیجان آور می‌نماید، در چند جمله یا پاراگراف افکار خود را بیان می‌دارد. یادداشت‌ها نمودار ایجاز یک شاعر است که سعی دارد طی چند کلمه خزینه معانی را در برابر دیگران بگشاید و برای او تفاوتی ندارد به نظم باشد یا نثر. چنین به نظر می‌رسد افکار او در اینجا تسلسلی ندارد، چون برای هدف معین نوشته نشده است، باوجود این می‌توانیم تجلی تأثیر پذیری شدید و حساسیت شاعر را نسبت به تصورات و تفکرات بسیار که او را احاطه کرده از خلال آنها دریابیم. این یادداشت‌ها به ما کمک می‌کند تا شمه‌ای از سیرت و کردار نویسنده را آشکارا کنیم. اقبال از آن جمله متفکران است که کیفیت دور از انتظار و پرهیجان افکار آنان غالباً در ما بهتی به وجود می‌آورد. بدین ترتیب، هر چند ما با پیشتر افکار اقبال آشنا شده باشیم، اگر ادعا کنیم از او شناخت واقعی داریم، کاملاً در اشتباهیم.

سال ۱۹۰۸ میلادی اقبال پس از اخذ درجه دکترا فی فلسفه و گواهی نامه عالی در علوم قضایی از اروپا مراجعت کرد. در سال ۱۹۱۰ میلادی اوسی هفت سال داشت و در یک آهار تمان در بازار "انارکلی"، لاهور زندگی می‌کرد. از آن زمان که به سرزمین خویش باز گشت، نام او به عنوان وکیل دعاوی ثبت شد و

کارهای حقوقی را در دادگاه آغاز کرد . در عین حال به مقام استادی فلسفه در کالج دولتی لاهور دست یافت . پس از هجده ماه خدمت، از سمت استادی فلسفه استعفا داد. چون احساس کرد تا زمانی که در خدمت دولتی باشد، نخواهد توانست آزادانه عقاید خود را ابراز دارد .

به سال ۱۹۰۹ در هند برنامه اصلاحات "مورلی موتو (۱)" اعلام شد . بر اساس قانون جدید شوراها در هند ، اصل انتخاب از طریق حوزه‌های انتخابیه جداگانه معمول شده و بطور محدود هم این اصل بموقع اجرا در آمده بود . مسام است برای شخصی چون اقبال که مخالف استعمار دولت بریتانیا بود و علاقه مند فعالیت برای استقرار آزادی سیاسی مردم هند ، چنان وضع مساعد سیاسی وجود نداشت که شرایط دلخواه را برای فعالیت و خدمات او فراهم کند .

با وجود مشکلات شدید مالی ، او از استخدام شدن در دستگاه دولتی بریتانیا نفرت داشت، و گر نه هر کس بامدارک علمی او به سهولت می توانست در نظام خدمات انگلیس در شبه قاره به کار گمارده شود . بدین ترتیب او با علاقه مندی فعالیت و تلاش داشت، تا شرایطی فراهم کند و بتواند خدماتی فرهنگی را در

۱- Morley Minto ، افسر انگلیسی ، استاندار پنجاب بود و برنامه اصلاحاتی را در مورد کشاورزی اعلام کرد . م .

سرزمین اسلامی دنبال کند، و بی پروا افکار خویش را ارائه دهد. چنین بر می آید که چند ماه پیش از آغاز نگارش این جزوه سفوی به حیدرآباد دکن کرد تا زمینه کار خویشی را بسنجد، اما با مشاهده بی حسی و بی تفاوتی در مردم و حالت تضرع آمیز حکمران ایالت به نام "نظام"، در برابر انگلیسی ها، با بیزاری و ناامیدی به لاهور مراجعت کرد.

نامه هایی که اقبال در آن ایام به عطیه بیگم نوشته (۴)، او را شخصی ناراحت و مأیوس نشان می دهد. علت آن فشار سخت و بیرحمانه رسوم و عادات اجتماعی است که بردوش اقلیت‌های آزاده‌ای چون او سنگینی می کرده است. نامه های او بیانگر نفرت، عیب جویی، نفاق، تنگ نظری و خود خواهی مردمی است که در میان آنها به دنیا آمده و پرورش یافته بود. در یکی از نامه هایش به عطیه بیگم می نویسد، من نمی خواهم اینجا کاری را شروع کنم، هدف من این است هرچه زودتر از این کشور فرار کنم، زندگی فوق العاده غم انگیزی دارم. . . . به عنوان یک موجود زنده من حق دارم سعادتمند زندگی کنم، اگر جامعه

۲- عطیه بیگم فیضی، متوفی به سال ۱۹۶۷ در کراچی. دانشجوی فلسفه بود که با اقبال آشنا شد. علاقه مند به تفکرات اقبال بود و در آلمان و انگلیس دیدارهایی با اقبال داشت. مکاتبات اقبال و عطیه بیگم به صورت مجموعه ای جداگانه چاپ شده است. م.

یا طبیعت این حق را از من بگیرد ، من در برابر هر دومی ایستم .
تنها راه چاره آن است که این کشور بیچاره را ترک گویم و یا اینکه
به شراب پناه ببرم ، که خود کشی را ساده تر می کند ! اوراق
بیجان و بی ثمر کتابها نمی تواند برای ما سعادت فراموش آورد ، در
روح من آتشی سوزان و کافی وجود دارد که می تواند تمامی این
اوراق و نیز رسوم غلط اجتماعی را در شعله های خویش فروگرداند (۳) .

در نامه ای دیگر چنین شکوه می کند :

” زندگی صادقانه و بی آلایشی را می گذرانم ، دلم بازبانم یکی
است ، اما مردم نفاق و دورویی را می ستایند و احترام می گذارند
اگر قرار باشد ریا و دورویی موجب شهرت من شود و احترام و
ستایش همراه داشته باشد ، ترجیح می دهم ناشناخته بمرم و کسی
بر من سوگواری نکند . بگذارید دیو چند سر عوام به کسانی احترام
بگذارد که بر حسب تصورات ، مذهب و اخلاقیات دروغین آنها روز می
گذرانند . من نمی توانم در برابر آن کسان که در برابر آزادی فکر
انسانها مانع به وجود می آورند سر تسلیم فرود آورم (۴) . “

۳- اقبال ، متن انگلیسی ، گرد آوری عطیه بیگم ، چاپ بمبئی ، ۱۹۴۷ ،

ص ۳۷ - ۳۶ .

۴- همان کتاب ، ص ۴۹

نامه‌ای دیگر که چند هفته پیش از آغاز این دفتر در روز ۷ آوریل سال ۱۹۱۰، خطاب به عظیم بیگم نوشته، شدت غم و ناراضی او را روشن می‌سازد:

”اما، در خویشتن جوشش و شوری برای شعر حس نمی‌کنم، گویی کسی الهه شعر و هنر را در من، در وجود من نابود کرده است، و اکنون از آرزو ها و تصورات خویش بدور مانده ام. شاید منظومه اورنگ زیب، یک تازگی مقبره او را زیارت کردم، آخرین اثر من باشد (۵).“

انجمن حمایت اسلام لاهور، طی چند سال از اقبال دعوت می‌کرد تا در اجلاسیه سالانه اش منظومه‌یی بخواند، اما در سال ۱۹۱۰ او شعری نخواند. در داخل انجمن اختلافاتی به وجود آمده بود که کار به تعقیب قانونی در دادگاهها رسید و شاید چنین حوادثی موجب ناراضی و پریشانی اقبال شده باشد. در هر حال در این ایام اقبال منظومه‌هایی پرداخته که در مجله‌های محلی چاپ شده ولی کار او از کیفیتی معتبر برخوردار نیست. چنین می‌نماید که فعالیتها و ذهن خلاق شاعر در آن سال به خاطر احوال یأس آور و نوسید کننده متوقف شده و شرایط محیط در او تأثیر گذاشته و او را دچار

رکود و عدم خلاقیت ساخته است. ممکن است خود او متوجه چنین عدم توانایی شده باشد که ناگهان به نشروزی آورده و این مجموعه یادداشتها را نوشته است. کار مهم ذهنی و فکری اقبال در سال ۱۹۰۱ همین دفتر است.

این مختصر بخشی اعجاب آور از فرایند خلاقیت، یا دوران وقف و سکوت هنرمند است، که به نظر می آید اغلب در عوالم رموز ذهنی و عمق تصورات ایهام آمیز خویش می ریزی کند. بدون شک آن زمان زیر سطح آرام دریای اندیشه اقبال ضرورتاً امواج کوبنده و خروشان در تلاطم بوده است. سال بعد ۱۹۱۱، شاعر به کلامی منسجم در منظومه "شکوه"، با خدای خود سخن می دارد. در این منظومه معروف او از احساس زوال مسلمانان به خشم می آید و در غضب خویش خداوند را مسئول می شناسد. از این زمان به بعد فعالیت های هنری و ابتکارات شعری او روبه افزایش گذاشته و تقریباً در هر سال اثری پر شکوه به وجود آورده است. بتدریج شاعر غزل سرا و سراینده نغمه های محبت فرومی میرد و شاعری فیلسوف و حکیمی پند آموز برجای او تکیه می زند.

وقتی در سال ۱۸۸۵ کنگره ملی هند بنیاد یافت، اقبال هشت سال بیشتر نداشت. کنگره براساس اصلاحات ویکتوریایی

تاسیس شده بود و با مرور زمان اعتبار فراوانی به دست آورد، زیرا هندوان برای بازسازی جامعه خویش در جهات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی در همکاری با آن کنگره فعال بودند. در هر حال شرایط مسلمانان شبه قاره کاملاً با هند و ها متفاوت بود. در قرن نوزدهم انگلیسی ها قدرت و نفوذ را بتماسی از مسلمانان گرفتند و قلهای مسلمان شبه قاره را سرزمین جهاد اعلام کرده بودند. پیروان سید احمد بریلوی (شهید) در نواحی مرزی علیه انگلیسی ها می جنگیدند و در عین حال انگلیسی ها، مسلمانان را مسبب شورش معروف سال ۱۸۵۷ می شناختند. پس از فرونشاندن طغیان سال ۱۸۵۷ انگلیسی ها در صدد تضعیف مسلمانان برآمدند و هندوان برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خویش از انگلیسی ها حمایت می کردند.

در اثر تلاشهای صادقانه و خستگی ناپذیر سید احمد خان (بانی دانشگاه علیگر) رفتار انگلیسی ها در سال ۱۸۷۰ نسبت به مسلمانان بطور محسوسی، تغییر یافت، او نخستین مسلمان هندی بود که دریافت بنیادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی مربوط به قرون وسطای مسلمانان جوابگوی نیازهای جوامع جدید نمی تواند باشد. هم چنین حس کرده بود که با توجه به اوضاع متحول جهان بوجود آوردن مبانی نوین اجتماعی و اقتصادی ضرورت دارد. پی ریزی چنین تحولی اساسی مستلزم آن بود که مسلمانان اسلوب کهن آموزش را ترک

گویند، به یافته‌های تازه و علوم جدید روی آورند و به تدریج شیوه ای
نورا در نحوه زندگانی خویش پایه گذاری کنند .

احمد خان به دنبال تجربیات خویش در یافته بود که اکثریت
هندوان با مسلمانان همدردی ندارند ، بلکه در مورد پیشرفت مسلمانان در
صحنه های اقتصادی و فرهنگی نیز شک داشتند . می گفت که مسلمانان
باید تمامی توجه و توانایی خویش را در کسب تعلیمات جدید و
پیشرفت معطوف سازند. او معتقد بود که آنان نباید در هیچ شرایطی
از حمایت انگلیسی ها دست بردارند .

بدین ترتیب سید احمد خان در سال ۱۸۸۶ علی رغم تمایل کنگره
ملی هند، کنگره آموزشی اسلامی را در علیگر افتتاح کرد . سال بعد
در سخنرانی معروف خود به مسلمانان هشدار داد که از نظر اقتصادی
و آموزشی در شرایطی نیستند که بتوانند در امور سیاسی کشور نقشی
داشته باشند . او هم چنین یاد آوری کرد که اگر در هند اصول
دموکراسی بموقع اجرا در آید ، مسلمانان بطور کامل خود را محتاج ترحم
اکثریت هندوان خواهند دید . در سال ۱۸۹۳ کنگره ملی هند زیر
نفوذ شخصی موسوم به تیلک (۶) در آمد . این هندوی ملی گرا سخنرانیهای
پرهیجان و تنیدی ایراد کرد که در گیریهای جدی مسلمانان و هندو ها

را در بمبئی موجب شد . سید احمد خان سازمانی در علیگر تشکیل داد تا از آن طریق بتواند به مسلمانان کمک کند و از حقوق آنان دفاع شود ، که بنام مجلس دفاع اسلامی انگلیسی ها و شرقیان در هند علیا (۷) معروف شد . در سال ۱۹۰۰ پس از در گذشت وی ، آن زمان که نهضتی توسط هندوها پا گرفت تا در هند زبان هندی را جانشین اردو کنند ، انجمن دفاع از زبان اردو هم در علیگر تشکیل شد . سال پس از آن سازمان سیاسی اسلامی در علیگر شروع به کار کرد و گرچه تا سال ۱۹۰۳ فعال باقی ماند ، تنها به حمایت از انگلیسی ها می پرداخت تا اینکه مسلمانان را در جهت زندگی سیاسی حمایتی کند .

در سال ۱۹۰۶ وقتی معلوم شد که انگلیسی ها در اثر اجبارکنگره ملی هند می خواهند نوعی حضور موجه در هند به دست آورند ، بعضی از مسلمانان طراز اول و ثروتمند که همواره از روشهای سید احمد خان تبعیت می کردند ، سازمانی سیاسی راه نام اتحادیه مسلمانان Muslim League سراسر هند تاسیس کردند . این سازمان برای اصلاحات اساسی و یا پیشرفت به وجود نیامد ، بلکه برپایه اصولی محافظه کارانه و ارتجاعی قرار گرفت . در نتیجه حزب مسلم

7. Mohammadian Anglo Oriental Defence of upper India.

لیک در برقراری ارتباط با هامة مسلمانان توفیقی نداشت . تنها در یک مورد امتیازی به دست آورد و آن اینکه مسلمانان در برگزاری و برخورداری از حوزه های انتخابیه جداگانه صاحب حقی شدند .

در این مرحله از تاریخ مسلمانان چنین سازمانهایی با هدفهای محدود تشکیل می شد . از طرفی نمی توانیم آنها را سازمانهای سیاسی بنامیم ، زیرا قصد آنان گسترش آموزش نوین در میان مسلمانان بود و از جانب دیگر بدون قید و شرط از انگلیسی ها حمایت می کردند و هم در برابر قدرت روز افزون اکثریت هند و ها ایستادگی داشتند . بدین ترتیب ، اگرچه در زمان حیات سید احمد خان و پس از مرگ او نسل پیر و جوان طبقه ممتاز مسلمانان و صاحبان املاک از روشهای سیاسی او حمایت کردند ، اما نسل جوانتر طبقه متوسط مسلمانان تنها چند سالی پس از درگذشت او آن مسیر را ادامه دارند ، و پس از آن طریق دیگری در پیش گرفتند .

اقبال به نسل جوان طبقه متوسط تعلق داشت . تحصیلات مقدماتی را در سیالکوت ، زیر نظریکی از مریدان پر جوش و خروش سید احمد خان به نام مولانا سید میر حسن گذرانید . می توان نتیجه گیری کرد که اقبال از طریق مولانا با جنبش علیگر آشنا شده و از همان مراحل اولیه هدفهای خویش را با آن هماهنگ کرده است .

اقبال در سن ۲۲ سالگی برای ادامه تحصیل به لاهور رفت. همانند هر مسلمان جوان دیگر در مراحل جوانی از بحرانها و ناتوانیهای خویش آگاه بوده و آشفته‌گیهای دنیای اسلام از نظر او دور نبوده است.

امپراطوری عثمانی متزلزل بود. کشور های مسلمان آسیای مرکزی زیر نفوذ روسیه تزاری در آمده بودند. حکومت سلطنتی ایران روبه اضمحلال بود و کشور از لحاظ اقتصادی روبه زوال می رفت. در چین بخشهای مسلمان نشین در سایه امپراطوری ملیون چین جمع آمده بودند و با لطیف دیگر هویت سیاسی نداشتند. مسلمانان به تدریج از اروپای شرقی هم اخراج می شدند. مصر زیر چکمه انگلیسی‌ها بود. فرانسه برای تسلط بر مراکش آماده می شد. آلمانیها با بیرحمی مسلمانان اندونزی را زیر فشار گذاشته، شکنجه می کردند. پس از غائله سال ۱۸۵۷، مسلمانان شبه قاره هند امید تجدید حیات سیاسی و آزادی از دست رفته را محال می دیدند.

در چنین شرایط تاسف آوری مسلمانان هند متوجه نهضت وحدت مسلمانان شدند. این حرکت به رهبری سلطان و خلیفه عثمانی جریان داشت، که سرزمین او تنها قدرت مستقل اسلامی جهان آن روز بود. اما قدرتهای استعمار گراورپایی در صدد بودند که آخرین نشانه های تمدن اسلامی را نیز نا بود کنند. انگلیسی ها به تحریک یونانیان

پرداختند تا علیه عثمانیها قیام کنند و چنین حرکتی دشمنی مسلمانان هند را نسبت به فرمانروایان انگلیسی افزایش داد .

سید احمد خان با توجه به اثرات تلخ غائله سال ۱۸۵۷ همواره در صدد بود که هر گونه قیام سیاسی مسلمانان شبه قاره را علیه حکمرانان انگلیسی مانع شود . اصل اعتقاد او بر آن بود تا از بنای رفیعی که به منظور پیشرفت های صلح آمیز و بهبود زندگی جامعه مسلمانان برپا داشته بود حفاظت کند . بنا بر این او کوشش کرد که مسلمانان شبه قاره را از هر نوع مشارکت در کشمکشهای سیاسی که در بخشها و کشور های دیگر مسلمان در جریان بود دور نگاه دارد .

سید احمد خان و پیروانش درخواست سید جمال الدین افغانی (اسدآبادی) را در سال ۱۸۸۲ که از هند دیدار کرد نپذیرفتند . در واقع جنبش اتحاد مسلمانان از ابتکارات سید جمال الدین بود . به اعتقاد او هدف واحد در میان مسلمانان تنها سلاحی است که می تواند سلطه طلبی و استعمار اروپا را با شکست مواجه سازد . پیام او در بعض قسمتهای دنیای اسلام با استقبال مواجه شد و انجمنهای چندی برای دنبال کردن و گسترش نظریات او تشکیل شد .

علی رغم رفتار خصومت آمیز سید احمد خان و پیروانش، بسیاری از مسلمانان جوان با شوق بسیار به دعوت سید جمال الدین پاسخ موافق

دادند. این مرد اصلاح طلب شاگردان و پیروانی در هند پیدا کرد. یکی از افرادی که در میان نسل جوانتر مسلمانان هند عمیقاً تحت تأثیر جمال الدین افغانی برای وحدت مسلمانان قرار گرفت، اقبال بود. اقبال از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۴ منظومه‌هایی سروده است که در آنها شرایط تلخ و تأثر آور مسلمانان هند را نشان داده و تلاش و کوشش مسلمانان را برای کسب آزادی خاطر نشان کرده و برای سرنوشت اندوهبار آنان اظهار تأسف کرده است. در منظومه "تصویر درد"، و، "نالۀ یتیم"، از رنجهای مسلمانان سخن گفته و در، "فریاد به سرور کاینات"، شکوه‌ها کرده است. اقبال از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸ در اروپا بود، در این مدت حقیقتی بر او روشن شده بود، که اتحاد مسلمانان تنها امیدی است که می‌تواند به احیای اسلام منتهی شود. از هر جهت در پیرامون خویش زوال و فساد مسلمانان را احساس می‌کرد و در این اضطراب بود که مبادا روزی مسلمانان از صفحه کیتی محو شوند.

پیش از آنکه اقبال نظریه اتحاد مسلمانان را بپذیرد، در جهت گسترش اطلاعات خویش در زمینه‌های فلسفی و سیاسی کوشش داشت. مثلاً در این کتاب می‌گویید، زمانی که به تحصیل اشتغال داشته است، کلمات و افکار وردزورث (۸) او را به ساحل نجات

رسانده است. این طرز تفکر دوران دانشجویی نشان دهنده ذهن کنجکاو و دانش پژوه اوست. هیچگاه صحت مسأله بی را با تکیه بر اقوال دیگران نپذیرفته است. صوفیان این الحاد را حجاب نامیده‌اند و در دو بخش بیان داشته‌اند. صورت اول حجابی است که بر طرف نمی‌شود، و گویی قلب شخص آمادگی پذیرفتن هیچ چیز را ندارد، سهرانکار بر آن زده‌اند و کفر دائمی بر آن سایه انداخته و هیچ امید تحولی در آن به چشم نمی‌خورد.

بخش دوم حجاب حق است، الحادی است که همراه باشک است و به تدریج به اعتقاد می‌انجامد. این حجاب همواره جهتی به جانب حق دارد و در صدد است که خوبی و بدی را بشناسد. این الحاد زود گذراست و تلاش ذهن است برای ارتقاء ذهن و رسیدن به حقیقت، که بسیاری از متفکران عالم اسلام، فلاسفه و شعرای دیگر مذاهب نیز به چنین حالاتی گرفتار بوده‌اند.

اکنون ممکن است این سوال پیش آید اقبال که پرورش یافته فرهنگ سنتی اسلامی بوده، چگونه تا بدین حد تحت تاثیر وردزورث قرار گرفته است. از چنین پرسش‌هایی می‌توان نتیجه گرفت که او در صدد شکستن تنگناها و آداب و رسوم جاری در خویشتن بوده است. از آنجا که او باهیجان شدید بحرانه‌ها و آشوبهای

فکری قرن نوزد هم را در یافت، جای تعجب نیست که وردزورث در او تاثیر بگذارد و یا چون سایر اذهان جستجوگر متوجه جان استوارت میل بشود تا بتواند پاسخی قابل قبول بر مسلک عقلیون بیابد. در عین حال اعتبار ذهنی او به مراتب افزونی می گیرد که تحت تاثیر افکار مادی گرایانه روزگار خویش قرار نگرفته و از آن روند متداول برکنار مانده است.

هر پژوهشگر عرفان اسلامی می تواند تشخیص بدهد که افکار وردزورث تاچه حد از مسأله وحدت وجود به این عربی نزدیک است. می توانیم نتیجه گیری کنیم که اقبال در دوران شکل گیری ذهنی و تعالی روحی متوجه وحدت وجود بوده و به شدت خواجه حافظ شیرازی، بزرگترین شاعر و عارف فارسی زبان بر او تاثیر گذاشته است. او همچون یک شاعر غزل سرا کار خویش را آغاز کرد و سپس اعتقادات سیاسی خود را بر موازین فلسفه وحدت وجود قرار داد. منظومه هایی در باب میهن و احساسات ملی گرایانه دارد، اما مختصر و زودگذر است. سه سال اقامت در اروپا ذهن و فکر او را کاملاً متغیر کرد. تدریجاً نسبت به فلسفه وحدت وجود بی تفاوت شد و در برابر آن تفکر اتمی نویرپایه اتحاد مسلمانان در او به وجود آمد. مدتی بعد که خاور میانه را تب ملی گرایی فراگرفت، اقبال به عنوان اولین متفکر مسلمان شبه قاره از آن جانبداری کرد و

برای ایجاد "ملیت اسلامی شبه قاره"، قد بر افراشت و تا سال ۱۹۳۸ که مرگ او اتفاق افتاد در این نظریه پافشاری کرد. همین احساس استقلال مسلمانان بود که موجب شد جنبش ملی گرایی در هند آغاز شود و در نتیجه جدایی اسلام را از هند به وجود آورد. او در نامه‌ای که به سال ۱۹۰۹ نوشته به این تحولی که در او صورت گرفته اشاره ای دارد.

"من شخصا بر این عقیده بوده‌ام که اختلافات مذهبی باید از این کشور (هند) محو شود، خود من بر همین تفکر زندگی را می‌گذرانم. اما اکنون احساس می‌کنم که جدا کردن مسلمانان و هندوها امر دلخواهی است که مورد تایید هر دو نیز قرار می‌گیرد. تصور یک ملیت مستقل برای هندوها بسی شیرین می‌نماید و جنبه شاعرانه پیدا می‌کند، اما با توجه به شرایط کنونی و تمایلات ناخود آگاه دو جامعه، تحقق چنین آرزویی بعید به نظر می‌آید (۹)." .

اگر او زنده مانده بود تا جدایی پاکستان را به عنوان کشور مستقل مسلمان ببیند، (تصور سیاسی وقابل احترام که به حقیقت پیوست)، مطمئناً یک بعد دیگری را نیز بر آن می‌افزود و بنیاد را شاید بر

”ملیت پاکستانی“، می گذاشت. اما او زمانی چشم از جهان فرو بست که مسلمانان هند برای کسب استقلال خویش با انگلیسی ها در نبرد بودند و در عین حال می خواستند از حوزه اقتدار هند و ها فاصله بگیرند. روزگاری بود که حمایت از سرزمینی مشخص و احساس استقلال ملی در شبه قاره هند به این مفهوم بود که مسلمانان در اکثریت جامعه هندوان مضمحل شوند و هویت سیاسی آنها روبه خاموشی گذارد. اقبال تلاش بسیار کرد تا فلسفه مذهبی را توجیه کند و بدان وسیله نظریه ملیت بر مبنای علاقه به سرزمین را ضعیف کند و وطن پرستی را ناچیز-زانگارد، گرچه در خاور میانه او میهن پرستی و ملی گرایی را مفید می دانست و تایید می کرد. می نویسد:

”ملی گرایی، بدان معنی که فردی به کشور خود عشق بورزد و حتی برای دفاع و حفظ آن جان خویش را هم فدا کند جزو ایمان مسلمانان است. این امر تنها زمانی با اسلام مغایرت پیدا می کند که بعد سیاسی پیدا می کند و به دنبال وحدت انسانی می رود، بدین نیت که تا حد یک اعتقاد فردی کاهش یابد و در حیات ملی نقشی برعهده نگیرد. ملی گرایی در کشورهای چون ترکیه، ایران، مصر و سایر کشورهای اسلامی هیچگاه مسئله ای به وجود نمی آورد. در این کشورها اکثریت با مسلمانان است و اقلیتهای مذهبی، یهودیها مسیحیان و زردشتی ها بر اساس قوانین اسلام اهل کتابند یا چیزی

شبیه به آن، که بر طبق احکام اسلامی ایجاد روابط اجتماعی با آنان مجاز است، حتی توانق در از دواج. تنها در کشورهای ملی گرای مساله به وجود می آورد که مسلمانان در اقلیت باشند، که در آن صورت ملی گرایی ایجاب می کند که آنان در انزوای خویش باشند. در کشورهای اسلامی که اکثریت با مسلمانان است، اسلام با ملی گرایی تضادی ندارد، چون هدف هر دو کاملاً یکی است. اما در کشورهای که اقلیت مسلمان است اصرار در به وجود آوردن ملی گرایی در کسب وحدت فرهنگی خلاصه می شود. در هر دو شکل قضیه اعتبار خاصی ملحوظ است (۱۰).

در سال ۱۹۰۸ که اقبال از اروپا برگشت، مسلمانان در خاور میانه دچار وضعی نامطمئن و بحرانی بودند. نیروهای استعمارگر اروپا فشار اقتصادی شدیدی بر کشورهای اسلامی وارد می آوردند تا آنها را به زیر سلطه خویش در آورند. سر تا سر خاور میانه در ناآرامی فرو رفته بود. سیاست توسعه طلبی قدرتهای استعمارگر اروپا موجب رشد و گسترش نوعی ملی گرایی اسلامی شده بود. زمینه وطن پرستی در دنیای اسلام حیاتی تازه می یافت و بتدریج مبارزات استقلال طلبی تمامی خاور میانه را فرا می گرفت. اما هماهنگی

که قبلاً اشاره کردیم مسلمانان شبه قاره از فعالیتهای سیاسی منع شده بودند. حزب مسلم لیگ بطور کامل در چنگال طبقه ممتاز مسلمانان قرار داشت و آنان و فاداران بی قید و شرط نسبت به انگلیسی ها بودند. به نظر می آمد که این مسلمانان طراز اول قبل از هر چیز در فکر حفظ منافع خود بودند و نسبت به مصائب و مشکلات مسلمانان خاور میانه ابد آ توجهی نداشتند.

باوجودی که نارضایی سیاسی قلب عامه مسلمانان شبه قاره راه درد آورده بود اما در آن زمان یک رهبری واقعی وجود نداشت تا این نارضایتی عمومی را در جهتی مؤثر هدایت کند. بهر حال سال بعد که مسلمانان از بالکن بیرون رانده شدند و ایران در مبارزه مرگ و زندگی گرفتار شده بود و خاک تریپولی* از خون مسلمانان رنگین، اقبال منظومه "شکوه" و "جواب شکوه" را سرود و پس از آن آثار پر ارزش و مؤثری مانند مثنویهای "اسرار خودی"، "رموز بیخودی"، انتشار یافت. بدین ترتیب کم کم صدای اقبال به گوش مسلمانان می رسید و در آنان اثر می کرد و آنان جهتی می یافتند.

باوجودی که آنچه تاکنون درباره اقبال نوشته شده از لحاظ کمیت نسبت به هر شاعر مسلمان دیگر زیادتر است، باز هم مواردی پیش

* طرابلس در خاک سوریه. م.

نیامده تا دربارهٔ بشر دوستی و وجوه فردی شاعر مطالبی عنوان شود و عمق ارتباط او را با جهان پر از رنجی که در آن زندگی می‌کنیم دریابد. کار عمدهٔ اقبال آن بود که از گذشتهٔ اسلام الهام گرفت و از یافته‌ها برای مسائل جاری زمان خویش بهره برد. در هیچ جنبه‌ای خیال پرداز و خوش گمان نبود که تصورات رمانتیک و شاعرانه داشته باشد، بلکه واقع گرا بود و مرد عمل که سعی داشت با عامهٔ مردم ارتباط برقرار سازد و آرزو داشت روزی نظریات او در محیطی خاصی به مرحلهٔ اجرا در آید.

این مختصر بیانگر هم مسائلی است که او در ذهن داشته، که بعد ها به صور مختلف در شعر و بیانات فلسفی وی منعکس شده است. متوجه می‌شویم که او تاریخ را به وجه یک فرایند می‌شناسد و براین باور است که اعتقادات روحی و فلسفی یک جامعه غالباً زائیدهٔ محیط سیاسی اوست. هم چنین می‌گوید برای گسترش خصوصیات مثبت اخلاقی در مردم بکار گرفتن اصول سیاسی مسلم و مستحکم ضرورت دارد. نیز در مورد نقش منحصر به فرد مسلمانان در تاریخ و اعتبار حیاتی حکومتی دلخواه برای رواج اخلاقیات پسندیده اظهار نظر او شایسته دقت است. می‌توانیم به وضوح تأکید او را در به وجود آوردن سرزمینی مستقل برای مسلمانان شبه قاره در خلال نوشته‌هایش احساس کنیم. در همین دفتر نوشته است: "در نظر

من حکومت به هر شکل که باشد، یکی از عوامل تعیین کننده اخلاقیات مردم است از زمانی که مسلمانان شبه قاره اعتبار سیاسی خود را از دست داده اند، با سرعت زیاد رویه زوال اخلاقی نهاده اند، به عقیده من ما هنوز به عنوان تجلی وحدت مطلق خداوند می توانیم در دنیا مطرح باشیم ، .

در نظر اقبال ، زندگی یعنی کوشش و تلاش ، بدین ترتیب برای او پایان آموزش و پرورش، خود آغاز تلاش است ، نه موجبی برای احساس برتری عقلی . بارها از لزوم قدرت و اعتبار انسانهای نیرومند سخن گفته است . به عقیده او گناهکارانی که فعال و مبتکر باشند از نیکوکاران بی خاصیت و خونسرد شایستگی بیشتر دارند . می گوید یکی از علل زوال مسلمانان در نتیجه پیوستن و تعلق داشتن بدون مقاومت و اطاعت های حقیرانه و تواضع بیمورد آنان بوده است . بعض نویسندگان غربی گهگاه تاکید اقبال را در کسب قدرت مورد انتقاد قرار داده ، حتی او را به داشتن تمایلات فاشیستی متهم کرده اند . عموماً چنین منتقدانی از شرایط طبیعی ، اجتماعی و سیاسی محیطی که شاعر در آن پرورش یافته و از آن سخن گفته است بیخبر بوده اند . اقبال می خواست انگیزه ای برای جنبش مسلمانان به وجود آورد تا شاید بتوانند قدرتی کسب کنند ، زیرا این تنها راهی است که می تواند وضعیت اقتصادی آنان را بهبود بخشد و از انحطاط اخلاقی جلوگیری کند .

اقبال به ورشکستگی وضعف اقتصادی مسلمانان شبه قاره توجه داشت و علل فقر آنان را که بسیار هم از نظر او قابل اهمیت است انحطاط اخلاقی آنان می داند. در اولین کتابی که به زبان اردو قبل از سفر اروپا به نام "علم الاقتصاد" منتشر کرده می گوید مطالعه علم اقتصاد برای هند ضرورت بسیار دارد، زیرا این کشور با فقر تهدید آمیز و عمیقی روبه روست. او اضافه می کند ملت‌هایی که در جهت پیشرفت اقتصادی و بهبود اوضاع اجتماعی خویش کوشش نکنند محکوم به زوالند.

اگر ادعا کنیم که آنچه تاکنون درباره اقبال نوشته شده در نشان دادن نظریات و افکار او به عامه مردم چندان توفیقی نداشته، پر بیجا نگفته ایم. باید سؤال کنیم، چرا؟ اکنون بیش از چهل سال از مرگ او می گذرد، اما بیشتر مطالبی که درباره او به چاپ رسیده سطحی و ناچیز بوده است. یکی از علل آن است که در پاکستان بیشتر مردم مایلند از تک بیت‌های او نقل کنند و از افکار و نظریات او صحبت به میان آورند، بدون اینکه عمیقاً بدانند او چه گفته و چه منظوری داشته است (یا اصلاً بدانند در کجا چنین مبحثی ذکر شده است). در جایی از این کتات اقبال وقتی از میلتون سخن به میان می آورد از ولتر هم مطلبی نقل می کند (طنز نویس فرانسوی) که درباره میلتون است. ولتر گفته بود، میلتون روز به روز به شهرت

بیشتری دست خواهد یافت زیرا کسی آثار او را نمی‌خواند ! این سخن ولتر رانیز می‌توان دربارهٔ اقبال و وضع او در پاکستان بطور مثال ذکر کرد .

علت دیگر ظاهراً مربوط به اعتبار سیاسی نام اوست . روشنفکران چپ گرای پاکستان همواره او را سنگی گران ، مانعی سخت و سدی محکم در برابر خویش پنداشته اند و معتقدند تا آن را از میان برند آرند ، مسلمانان به نظریات اصلاح طلبانه و مترقی آنان توجهی نخواهند داشت . پس چپ گرایان از هر فرصتی استفاده کرده و سعی دارند اقبال را از مرتبه خویش فرواندازند . در برابر ، روشنفکران راست گرای پاکستان او را متعلق به خویش می‌دانند . اینان به جداز اسلام دفاع می‌کنند و کوشش دارند اقبال را از دست ناپاک چپ گراها (و آنان که از لحاظ مذهبی و فرقه‌های مختلف او را در سطحی عادی فرو می‌کشند و به او حمله می‌کنند) رها سازند . آنان اقبال را شاعری مسلمان می‌دانند که تمام اعتقادات و نظریاتی که از لحاظ آنها باید داشته باشد ، داراست .

گاه اقبال شاعری محافظه کار و مرتجع معرفی شده و اگر چیزی هم از جانب طرفداران روشنفکر او نوشته شده ، در نشان دادن ماهیت ذهنی و روشن کردن واقعیت افکار او نامراد مانده است . آنان

نتوانسته اند جنبه های پرتحرک و خصوصیت آینده نگری او را در
یابند و عرضه کنند .

علت دیگری که به نظر می رسد آن است که محققان ما در مورد
امور مبهم و مجرد چون بزرگان قرون وسطی می اندیشند ، و چنین
علاقه مندی اذ هان آنان را فلج کرده و از تحقیق اصیل و خلاق
باز می دارد . کار این محققان در امور ساکن دور می زند ، و کوشش
دارند اقبال را که براندازنده عقاید غلط و آنهمه پرجوش و خروش
بود ، به صورت بتی بیروح و تهدید آمیز جلوه دهند . اینان مدعی
هستند که اقبال درجایی که فهمیدنی نباشد بزرگ است ، نه در آن شرایطی که
اعتقاداتش در بوته آزمایش گذاشته شود . حاصل چنین ادبیاتی درباره
اقبال چنان است که او را چون گلی مرده باسنجاق بردیواری بچسبانیم ،
نه اینکه در پویایی اندیشه های او باشیم و مردم را آگاه کنیم ،
که در این صورت او می تواند نیرویی موثر در بیداری اذ هان ما
باشد ، به ما الهام ببخشد و تلاشهای ما را در جهتی مفید و مثبت
سوق دهد و بنیاد فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی ما را استوار
سازد .

این علما نتوانسته اند افکار اقبال را با مشکلات و مسائل جهان
امروز تطبیق دهند ، آنطور که شاعر اسلام گذشته را با تلاشهای

زمان خویش مرتبط کرد. آنجا که تعلیمات اقبال به فردای جامعه اسلامی توجه دارد، مسأله دشواری آغاز می شود، جامعه ای که هر فرد تا آن حد به کمال برسد، که توانایی پیوند و نزدیکی با خدا را در خویش بیابد. بدین سان او نخستین مسلمان در شبه قاره بود که اندیشه می در باب استقرار سوسیالیسم اسلامی ارائه داد. بهترین پاسخ برای اندیشه ها و پیشنهادات اقبال آن است که در جهت گسترش اقتصادی و سایر وجوه تکامل اجتماعی کوشش بشود، که از این طریق دور نمایی که او مجسم کرده به حقیقت خواهد پیوست. اقبال خواستار کارهای پر شور و حرکت های بدون وقفه است، نه اینکه در پی بازی با الفاظ باشد. متأسفانه، علی رغم کوششهایی که برای شناساندن و تحلیل افکار او صورت گرفته، هنوز چون گوهری در دل صدف خویش پنهان است.

در صفحه های آینده، یاد داشتهای اوست که در میان کاغذ های در هم ریخته، نامه ها و مقالات چاپ نشده بدست آمده. آرزوی من این است که در فرصتی بتوانم تمامی آنها را تنظیم کرده و به چاپ برسانم و این اولین قدم است. بهرمان شیوه ای که شاعر این یاد داشتهای را شتابزده فراهم کرده و با همان ترتیب به چاپ آن مبادرت می ورزم. متن اصلی هیچگونه تغییر نکرده، جز شماره ردیف، و برای مطالب گوناگون که نویسنده مورد بحث قرار داده، عنوانی انتخاب شده است.

بدان جهت چنین تصرفاتی صورت پذیرفته ، تا شاید در نشان
دادن تنوع مطالب و غنای تفکراتی که مدتها ذهن شاعر را در مسیر
پیشرفت و گسترش به خود مشغول داشته ، مؤثر افتد * .

جاوید اقبال
خیابان علامه اقبال
لاهور

* پیشگفتار ظاهرا در سال ۱۹۶۰ نوشته شده، اما مجموعه "یادداشت‌های
پراکنده" به سال ۱۹۶۱ به زبان انگلیسی در لاهور منتشر شد. م.

۱

هنر

هنر دروغی مقدس است .

۲

انکشاف

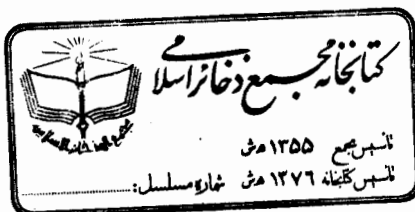
آنگاه که روح ما در برابر اندیشه‌ای برتر قرار می‌گیرد ، به شناخت خویشتن نایل می‌آید . تنها آن زمان که به وسعت تفکرات کوتاه (۱) پی بردم ، محدودیت ذهن خود را باز یافتم .

۳

خرد آدمی

عقل انسان به منزله تلاش ذاتی او در انتقاد از خویشتن است .

۱ - جان ولف کانگ کوتاه ، شاعر ، نمایشنامه نویس و سیاستمدار آلمانی که بسیار مورد توجه اقبال است . اقبال پیام مشرق را در پاسخ دیوان شرقی او به نظم آورد . در آثار اقبال کم و بیش از او و اندیشه هایش یاد شده است . م .



۴

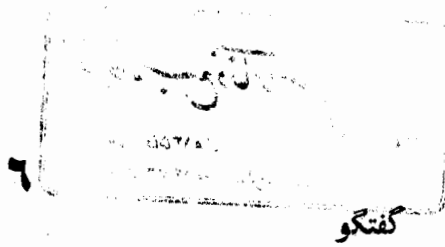
جنبه اقتصادی خویشاوندی

در واقع این شخص سخاوتمند است به همسک کومک می کند ، نه به آن کس که مفلس و تهیدست است . آنچه به بینوایان می دهند ، در حقیقت به کسانی می دهند که به درماندگان چیهی کومک نمی کنند . بدین ترتیب آنان که بخششندگی ندارند ، موضع سخت بی توجهی به خیر خواهی را حفظ می کنند و سخاوتمندان بازهم به کومک آنها می آیند . این جنبه اقتصادی خیرات است و بس .

۵

وجود خدا

دوستان پارها از من پرسیده اند ، ” آیا به وجود خدا معتقدی ؟ “ فکر می کنم قبل از آنکه به این پرسش پاسخی بگویم ، باید مفهوم و معنی واژه هایی که در این جمله آمده برای خود توجیه کنم . اگر دوستان من مایلند که پاسخی برای پرسش خود بیابند باید ابتدا برای من توضیح دهند ، منظور آنها از واژه های ” اعتقاد “ ، ” وجود “ و ” خدا “ ، خاصه این دو واژه آخری چیست ؟ اعتراف می کنم که معنی این واژه ها را نمی فهمم ، و هرگاه بسته گریخته از آنان پرسیده ام ، آنان نیز معنی این واژه را نمی فهمند .



احساس : ،، مسلم و قطعی است که خدا وجود دارد ،، .
عقل : ،، اما ،، پسر عزیزم ! وجود ، یکی از مقولات منطقی
مربوط به من است ، تو حق نداری آن را بکاربری ،، .
احساس : ،، ارسطوی من ، خیلی بهتر شد ،، .

۷

ارضای خود پسندی

ارضای خود پسندی برای ما ارزش اقتصادی هم دارد . اگر مرا به
عوض دستیاری بیمارستان در سمت کمک دستیار جراح بگمارند و حقوق
اضافی هم به من نپردازند ، باز هم راضی هستم .

۸

روانشناسی تلخ

از اینکه مسئله ای روانشناسی را در صورت تلخ آن می گویم ، مرا
بخشید ، . شما در رسیدن به بعضی هدفها و آرزوهای خود با شکست
مواجه شده اید و در صدد برآمده اید که س-رزمین خود را ترک
گویید و بخت خود را در کشوری دیگر بیازمایید . این تصمیم شما

نه بدان لحاظ است که غرور شما بجهت دار شده و در صدد جبران آن هستید ، بلکه بیشتر بخاطر آن است که می خواهید خود را از چشم آن کسان که شاهد شکست شما بوده اند ، پنهان دارید .

۹

نیروی باور داشتن

اعتقاد داشتن نیروی زیادی در انسان به وجود می آورد . وقتی می بینم نظریه من در ذهن دیگری اعتقادی را موجب می شود ، یقین من درباره واقعیت و درستی آن عقیده به مراتب بیشتر می شود .

۱۰

خدا در اسلام

در آیین مسیح ، خدا ، محبت است و در اسلام توانایی و قدرت . در میان این دو نظریه چه تصمیمی می توانیم بگیریم؟ گمان دارم تاریخ بشر و بطور کلی جهان هستی باید برای ما روشن کند ، کدام یک از این دو نظر ، به واقعیت نزدیک تر است . من دریافته ام که خداوند در تاریخ بیشتر به صورت قدرتی مطلق مطرح شده است ، تا محبت . مهربان و محبت خدا را انکار نمی کنم ، بلکه می خواهم بگویم ، خداوند بر اساس تجربیات تاریخی ، به صورت قادر متعال بهتر توجیه شده است .

اصول فلسفی هگل نظمى حماسى است که به نثر ارائه شده !

دیروز صبح ساعت ۴ مهمان با جلال جو زمین را که به ستاره دنباله دار هالی (۳) معروف است مشاهده کردم . هر هفتاد و پنج سال یکبار این شنا گرجولا یقناهی در نزدیکی زمین پدیدار مى شود . بار دیگر که ظاهر شود من با چشم نوه های خود آن را خواهم دید . حالت عجیبی در ذهن من ظهور کرد . احساس کردم وسعتی حیرت انگیز

۲ - فرد ریک هگل ، فیلسوف معروف آلمانی . اقبال در موارد مختلف از او نام مى برد و در عین حال که به آثار او توجه دارد ، گهگاه ، مخصوصا در پیام مشرق از بعض نظریات او انتقاد مى کند . م .

۳ - ستاره دنباله دار منسوب به ستاره شناس Halley . این ستاره از همه ستارگان گروه خود بزرگتر و روشن تر است . در سال ۱۷۰۸ ، هالی آن را کشف کرد . در ۵ فوریه ۱۹۸۵ نیز این ستاره از جو زمین گذشت . م .

و نا محدود جسم خاکی و حقیر سرا در برگرفت و فکر اینکه دیگر بار نمی توانم این عجیب و زیبا را ببینم ، حقیقت درد ناکی را در من بیدار ساخت که تا چه حد ناچیزم . در لحظه ای تمام غرور و خودخواهی ها در من مرد .

۱۳

اساس حکومتها

الکساندریوپ می گوید ، ” بحث و جدل درباره نوع حکومت پیشه بیخردان است ، ، . من با این فلسفه سیاسی موافقتی ندارم . در نظر من حکومت به هر شکل که باشد ، زائیده خصوصیات اخلاقی مردم است . از دست رفتن قدرت سیاسی هم در تباهی اخلاقی ملت تاثیر متقابل دارد . از آن زمان که مسلمانان در هند دچار زوال سیاسی شدند ، با سرعت شدید از لحاظ اخلاقی نیز روبه انحطاط گذاشتند . در میان تمام جوامع مسلمان دنیا ، احتمالاً اینان از لحاظ اخلاقی فرومایه تر و پست ترند . بر آن نیستیم که بر عظمت گذشته مسلمانان در این دیار تأسفی بخورم ، چون اعتراف می کنم که در بیشتر موارد به تقدیر اعتقاد دارم که بر سر نوشت ملتها حاکم است . شاید ما دیگر به عنوان نیرویی سیاسی منظور نشویم ، اما من اعتقاد دارم وجود ما به عنوان نشانه واحد و شهادت بر وجود خدای یکتا هنوز هم در جهان ضروری است . پس اعتبار ما در میان ملل بدیهی است (ع) .

ع - اقبال در موارد مختلف از زوال مسلمانان اظهار تأسف کرده است ، (هانگ درا ، منظومه اردو ، بخش سوم) و نیز در نامه هایش به سید سلیمان ندوی . م .

شعر و حقیقت منطقی

اگر بخواهیم در شعر حقایق منطقی بیابیم ، انتظاری عبث است .
 کمال مطاوب اندیشه آدمی زیبایی است ، نه واقعیت . پس برای
 نشان دادن اعتبار و بزرگی شاعر نکوشید از او مطالبی نقل کنید
 که در نظر شما حقیقت علمی دارد .

فنا ناپذیری فردی (خودی)

بقای خودی یک کیفیت مادی ایستانیست، بلکه فرایندی به جانب
 کمال است. فکر می کنم تفاوت قائل شدن میان جسم و روح و
 اختلاف نظر ها در این مورد مسائل فراوانی را به وجود آورده
 است . مبنای چندین مذهب بر همین تصورات باطل گذاشته شده
 است. انسان لزوما از تواناییهای مادی و معنوی برخوردار است و یا ترکیبی
 است از نیروها که بالطبع نظام و ترتیب خاصی را می طلبد .
 یک جنبه مسلم این نیروها شخصیت یا فردیت در انسان است. اینکه
 چنین پدیده ای به تصادف در آدمی بروز می کند و یا قاعده دیگر
 دارد به این بحث مربوط نمی شود ، من آن را به عنوان واقعیتی
 در میان واقعتهای دیگر طبیعت می پذیرم . بر آنم که دریا هم آنها ترتیب

یافتن یا نظام نیروها که بیش از هر چه-ز به انسان نزدیک است می تواند تسلسل یابد ؟ آیا امکان دارد که این توانا ئیها به همان شیوه که در شخصیتی سالم و متحرک منشاء اثرند ، مداوم باشند ؟ من خود بر آن پاسخ مثبت دارم . می توانیم فردیت یا خودی را در انسان به صورت دایره ای فرض کنیم که اندیشه ما را به و جبهی دیگر نشان می دهد ، یعنی ارتباط و نظام نیروهای مختلف که همان نقطه های تشکیل دهنده دایره هستند در اثر وارد شدن خللی از هم می پاشند و دایره فرضی ما را دچار زوال می کنند . چه تدبیری لازم است که ما از در هم ریختن نظام آن دایره جلوگیری به عمل آوریم . یک امر مسلم است که باید به طریقی عوامل و نیروهای تشکیل دهنده را تقویت کنید و ترتیبی بدید که آنها در همان روال معمول خود بر طریق خیر نظام خود را حفظ کنند . باید از همه اعمال و رفتاری که مختصر خطری برای در هم ریختن آن نظام یا خودی شخصی دارند پرهیز کنید . تواضع بیش از حد ، قناعت ، اطاعت بنده وار که اشتباهها در محدوده تقوی آنها را معتبر شناخته اند ، بطور قطع موجبات جدایی از خویشتن را فراهم می سازند . از طرف دیگر همت بلند ، جوانمردی و سخاوت ، بخشش و غرور و سر بلندی نسبت به سنتها و قدرتی که داریم ، در استحکام و بقای خودی و جوهر فرد نقش مهمی بر عهده دارد .

خودی را به عنوان گرانبها ترین جوهر انسانی ، باید به منزله خیر کل منظور نظر داریم ، می تواند به عنوان محرک سنجش اعمال نیک و بد ما واقع شود . آن چیز گرمی و ولایت که در ما میلی به جانب خیر و احساس خودی بر انگیزد . هر چیز که بطرف نابودی خودی و از میان بردن جوهر والای انسانی متوجه باشد ، شروبدی است . پس در جهت شناخت اصول زندگی و پی بردن به فردیت و شناخت عمیق خودی ، در واقع با عدم مبارزه می کنیم ، ضربه می که نظام همه نیروها را که ما جوهر فرد می نامیم ، در هم می ریزد و از هم می پاشد . پس فنا نا پذیری خودی در حیطه توانایی ماست . تنها در اثر مساعی جمیله است که اعتبار فنا ناپذیری فرد هم میسر می شود . آنچه در اینجا بهان داشته ام شرایطی دور از ذهن را ترسیم می کند و دور از دسترس . آرزو می کنم فرصت مناسب فراهم داشته ام که از این نقطه نظر ارزش اندیشه اسلامی ، بودایی و مسیحیت را باهم مقایسه می کردم ، اما متأسفانه آنقدر گرفتاری دارم که نمی توانم به جزئیات در این زمینه ها بپردازم .

۱۶

تاریخ

تاریخ نوعی علم اخلاق عملی است . اگر اخلاقیات باید چون

علوم دیگر بر مبنای تجربه باشد ، پس باید بر اصول تجربه های آدمی قرار گیرد . اظهار چنین نظریه ای برای عموم ، مطمئناً حساسیت عده ای را برخواهد انگیزخت ، حتی آنان که ادعا دارند ، پایبند اخلاقیات هستند و رفتار عادی آنان بر اصول تعلیمات تاریخ شکل گرفته است .

۱۷

علم ماورای طبیعت

قبول می کنم که از پرداختن به امور ماوراء الطبیعه خسته شده ام . هرگاه اتفاقاً گفتگویی در این باب با اشخاصی دست داد متوجه شده ام که مباحث آنان بر قضایایی متکی است که پشتوانه نقد و بررسی ندارد . بدین ترتیب من مجبور هستم که ارزش آن قضایا را در یابم ، امری عملی که مرا به تأملات ذهنی می کشاند . چنین به نظر می رسد که بطور کلی نمی توانیم خود را از امور ماوراء الطبیعه رها سازیم .

۱۸

تعصب

تمام ملل جهان ما را به تعصب داشتن متهم می کنند ، و من

می پذیریم. گاه پارا فراتر نهاده می گویم ما حق داریم متعصب باشیم. در حوزه زیست شناسی، تعصب چیزی خبر اصول فردی که در وجهه جمعی عمل کنند، چیزی نیست. بدین ترتیب تمامی صورحیات کم و بیش از تعصبی برخوردارند و اگر به زندگی گروهی خویش اعتنا دارند، باید چنین باشند. در حقیقت همه ملتها متعصبند. به مذهب یک انگلیسی ایراد بگیرید، چندان دچار ناراحتی نمی شود، اما از تمدن او، از کشورش، و یا از رفتار هموطنانش در موردی انتقاد کنید، تعصب ذاتی او آشکار خواهد شد. علت آن است که ملیت او ارتباطی به مذهبش ندارد، بلکه بر مبنای جغرافیایی یک کشور است، پس تعصب او آن زمان بروز می کند که کشورش را مورد انتقاد قرار دهید. اما شرایط اساسا بر شیوه ای دیگر است. در نظر ما ملیت فقط عقیده خالص است و دیگر پایگاه مادی ندارد. نقطه اتکاء ما یکنوع توافق معنوی است در جنبه بی خاص از دنیای مادی. پس اگر از مذهب ما انتقاد شود، تعصب نشان می دهیم، در این مورد به همان اندازه حق داریم که انگلیسی از ایراد بر تمدنش دچار تعصب می شود. در هر دو مورد یکنوع احساس بروز می کند، اگرچه عوامل مختلفی در پیدایش آنها دخالت داشته باشد. تعصب، همان وطنپرستی است برای مذهب، وطنپرستی، تعصب است برای کشور.

وطنپرستی (۵)

اسلام برای مبارزه علیه بت پرستی ظهور کرد. میهن دوستی آیا شکل دلپذیر بت پرستی نیست، یعنی توجه به یک امر مادی. سرود های وطن پرستانه اقوام مختلف سلیقه مرا تایید می کند که عشق به وطن توجه آدمی را به مسئله ای مادی معطوف می دارد. اسلام نمی توانست بت پرستی را بهیچوجه تحمل کند. برعهده ماست که با همه صور مختلف بت پرستی مبارزه کنیم. آنچه که اسلام قطعاً می خواست از میان بردارد، چگونه من تواند از جمله اصول اساسی و بنیادی و سیاسی یک جامعه مسلمان قرار گیرد. شاید این واقعیت که پیغمبر در سرزمین دور از محل تولد خویش به ارشاد پرداخت و همان جا وفات یافت، خود تاییدی بر این نکته باشد.

عدالت

عدالت گنجینه پرارزش است، اما باید مواظب باشیم از دستبرد دزد رحم و شفقت مصون بماند.

۵ - منظومه اردو، بانگ درا، بخش سوم. مثنوی رموز بیخودی م.

وحدت منافع و مسؤولیت مسلمانان

برای کامل کردن آنچه پیش از این درباره اسلام و وطنپرستی نوشته‌ام این نکته را نیز اضافه می‌کنم، که وحدت مسلمانان به عنوان جامعه‌ی واحد آن زمان تحقق می‌یابد که ما به احکام و اصول مذهب خود پایبند باشیم. تا آن زمان که این اصل مورد توجه قرار نگیرد، ما به جایی نمی‌رسیم و شاید سرنوشتی چون یهودیان در انتظار ما باشد. خوب، برای جدی گرفتن و عمل کردن به احکام چه باید بکنیم؟ اول باید بدانیم که سرمایه مذهبی جامعه در کجا به ودیعه گذاشته شده. معلوم است، در دست زن. زن مسلمان باید تعلیمات عمیق مذهبی ببیند، چون بدون شک اوست که جامعه فردا را می‌سازد. من به اصول و روشهای آموزش و پرورش مطلق اعتقادی ندارم. آموزش و پرورش هم چون چیزهای دیگر تابع نیازهای جامعه است. برای اهدافی که ما در نظر داریم، تعلیمات مذهبی برای دختر مسلمان کفایت می‌کند. تمام مطالبی را که تمایلاتی در او برمی‌انگیزد تا از ذات زن بودن و یا مسلمان بودن دور شود، با احتیاط از برنامه درسی آنان حذف کنیم (۶). امامت‌مختصان

۶ - ترجمه فارسی ضرب کلیم، بخش دوم، زن، نیز در مثنوی رموز بیخودی هم اشاراتی در این مورد دارد. م.

آموزش و پرورش ، هنوز در ظلمت راه می پیمایند و هنوز نتوانسته اند یک دوره تحصیلی مفید برای دختران ، در نظر بگیرند . شاید عظمت دنیای غرب آنقدر چشمهایشان را کور کرده که نمی توانند تفاوتی بر این امر قائل شوند که اسلام ، ملیت را بر تصویری مجرد یعنی دین قرار می دهد ، در حالی که ملی گرایی غربی برپایه یک مسئله مادی استوار می شود ، و آن کشور است .

۲۲

ملت آلمان

در اقتصاد طبیعت هر کار به عهده ملتی گذاشته شده و ملت آلمان در جهت تدارک و تنظیم علم تلاش دارد . اما تازگیها در قلمرو تجارت فعالیتهایی را آغاز کرده ، تا از آن طریق امپراطوری عظیمی را بی افکند . آنان باید بدانند که در این جابه جایی لطمه ای شدید را باید متحمل شوند . ندانسته هدفی والا و پرازش را فدای روح مادی و تجارتی می کنند .

۲۳

هندوی عصر نوین

توجه به رشد و پیدایش تفکرات تازه در میان یک ملت بسیار جالب توجه است . اندیشه نوهیجانی در همه ایجاد می کند و توانایی

آن را دارد که تمام قدرت جامعه را به یک طرف متوجه کند و همگان را در مسیر واحدی قرار دهد. هندوی عصر جدید، خود پدیده‌ی بی است. در نظر من مطالعه‌ی آنان قبل از آنکه جنبه‌ی سیاسی داشته باشد، مربوط به روانشناسی می شود. آزادی سیاسی که خود تجربه‌ی بی تازه برای اوست، تمام روحش را تسخیر کرده، توانا ییهای او را از جهات مختلف فراهم آورده و در مجرای واحد گذاشته و با تمام قدرت از آن پشتیبانی می کند. آنگاه که این تجربه را پشت سر گذاشت. زیانهایش را در می یابد. به صورت ملتی نوین ظهور می کند، حتی احساسات او دگرگون شده، آنطور که دیگر به اعتقادات اخلاقی نیاکان خویش هم تسلیم نمی شود. همان تصورات متعالی و بلندمدتی که پیوسته اذهان مضطرب را تسلی می بخشید. ملتهای ما در کمالات و معنویاتند، اما همین تصورات بر مبنای کمال مطلوب به مرور زمان باردار افکاری تازه می شود و از آن میان ملتی تازه ظهور می کند.

۲۴

حقیقت و قدرت

فلسفه، منطق حقیقت است، و تاریخ، منطق قدرت. به نظر می رسد قانون کلی منطق دوم معتبرتر از اولی است (۷).

۷ - مثنوی اسرار خودی: باتوانایی صداقت توام است؛

گر خود آگاهی همین جام جم است.

زندگی کشت است و حاصل قوت است

شرح رمز حق و باطل قوت است

آینده افغانستان

فتوای تاریخ این است که کشورهای بیطرف هرگز نمی توانند خود را به صورت واحد قدرتمند سیاسی نشان دهند. سوریه چنین حالتی داشت، کشوری بیطرف میان امپراتوری روم و ایران باقی مانده بود. بسیار مشکل است آینده افغانستان را پیش بینی کنیم (۸).

زندگی به عنوان نقد شعر

ماتیو آرنولد (۹)، شعر را به عنوان انتقاد زندگی می شناسد. اگر زندگی را هم نقد شعر بدانیم، دور از واقعیت نیست.

مسیحیت اروپایی

در فضای تفکرات انسانی، حضرت مهد، بودا و کانت (۱۰) بزرگترین

۸ - در مثنوی مسافر نیز سخن از افغانان آمده است.م.

۹ - Mathew Arnold.....م.

۱۰ - در کتاب پیام مشرق اقبال به نوآوری در تفکرات کانت اشاره دارد.م.

انقلابیون بوده اند . در میدان عمل ناپلئون نظیری ندارد . من حضرت عیسی را در ردیف انقلابیون منظور نمی کنم ، زیرا نهضت او بسیار سریع از شرک قبل از خودش شکل گرفت . مسیحیت اروپایی در نظر من ترجمه ضعیفی است از شرک کهن ، به زبان الهیات سامی .

۲۸

مسیح و اسپینوزا (۱۱)

قوم یهود تنها دو مرد بزرگ را به جهان شناسانده است ، مسیح و اسپینوزا . اولی تجلی خداوند بود در پسر ، و دومی درکائنات . اسپینوزا به عنوان مکمل ، بزرگترین معلم نژاد خویش است .

۲۹

ارسطو

من بیشترین احترام را برای ارسطو قائلم ، نه بدان لحاظ که (در قرن بیستم زندگی می کنم) او را بهتر از نسل های قدیم جامعه خودم می شناسم ، بلکه به خاطر آنکه نفوذ بسیاری در افکار مردم پیرامون من داشته است . اما حق ناشناسی او که به صورت انتقاد

۱۱ - در ضرب کلیم از خصوصیات فکری این فیلسوف هلندی سخن رفته است .م.

از فلسفه و نظریات افلاطون (۱۲) بروز کرده موجب می شود که تمام و کمال به تحسین او نپردازم. من منکر واقعیتهایی که در رد نظریات افلاطون ارائه شده نیستم، بلکه از روح مسأله و شیوهی که او به این واقعیات رسیده بیزارم.

۳۰

جنون نیچه (۱۳)

در طبیعت انسان فاسازگاریهای عجیبی وجود دارد. اگر من بازنی هر جایی از دواج کنم بدان معناست که مخالفتی با چنین اسور زشت و ناپاک ندارم. اما اگر شما از این موضوع بصورت داستانی انتقاد آمیز یاد کنید، من می رنجم. آنچه عملاً انجام داده ام نظریه مخالف آن را ابراز می دارم. فلسفه نیچه در گستره اخلاقیات کوشش منطقی است که رفتار اروپائیان را موجه نشان دهد، باوجود این مرد بزرگی که پیغمبر اشرافیت است، بطور عام در اروپا مورد نکوهش قرار می گیرد.

۱۲ - در مثنوی اسرار خودی مطالبی علیه افلاطون و نوافلاطونیان ذکر شده م.

۱۳ - فلسفه انسان برتر را مطرح کرد، و در کتاب پیام مشرق و جاوید نامه درباره تفکرات او مطالبی نقل شده م.

اورنگ زیب

نبوغ سیاسی اورنگ زیب بسیار جامع بوده است. یکی از هدفهای زندگی او آن بوده که جوامع مختلف امپرا طوری خویش را به اطاعت حکومتی واحد و مرکزی در آورد. اما برای امنیت این امپرا طوری وسیع بیشتر تسلیم جرأت و شهامت تزلزل ناپذیر خویش شده، در عین آنکه از سابقه سیاسی قابل ملاحظه بی برخوردار نبود. بدون اعتنا به عامل زمان در تحولات سیاسی، تلاشی بی وقفه را در قلمرو خویش آغاز کرده. بدان امید که شاید بتواند هند را که از لحاظ سیاسی پراکنده بود، در حیات خویش به وحدت کشاند. همان گونه که اسکندر در یونانی کردن آسیا شکست خورد، اورنگ زیب هم موفق نشد هند مسلمان بسازد. بهر حال انگلیس مجهز به تجربیات سیاسی ملتی که پنجاه سال و با شکیبایی تمساح گونه اش در همان سرزمینی که اورنگ زیب ناکام ماند، توفیق به دست آورد. پیروزی لزوماً به معنی اتحاد نمی تواند باشد. علاوه بر این اورنگ زیب تجربه و تاریخ گذشته هند را می دانست و متوجه بود همان طور که جدش اکبر می اندیشید قدرت اسلام در هند چندان ارتباطی با رضایت مردم ندارد، بلکه در نتیجه فشار طبقه حاکمه است. در هر حال

باوجود درک زیر کانه اورنگ زیب از سیاست، نتوانست اثرات هد اعمال گذشتگان را از میان ببرد. سواجی (۱۴) محصور حکومت اورنگ زیب نبود. حضه-ور مهاراتا (۱۵) در نتیجه شرایط سیاسی اجتماعی دوره اکبری بود و آن وضعیت خاص حاصل روش او. گرچه هوش سیاسی اورنگ زیب خوب بود و راهش درست، اما بسیار دیر شده بود. با توجه به اعتبار آن نظریات و شعور او در امور مملکت، باید او را بنهان گذار ملیت مسلمانان در هند به حساب آوریم. یقین دارم نسلهای بعد صداقت حرف مرا خواهند پذیرفت. در میان حکام انگلیس، لرد کرزن (۱۶) اولین کسی بود که حقیقت قدرت انگلیسی ها را در هند دریافت. اینکه ملی گرایی هند را به او نسبت می دهند اشتباه است.

۳۲

فتح ایران

اگر از من بپرسید، بزرگترین حادثه تاریخ اسلام کدام است، بی درنگ به شما خواهم گفت، "فتح ایران". جنگ نم-اوند نه تنها کشوری آباد و زیبا را نصیب عربها کرد، بلکه تمدن و فرهنگی کهن را نیز در اختیار آنان گذاشت. به زبانی دیگر عربها با ملتی روبه

۱۴ - ۱۵ - سواجی، هندوی متعصب قوره مهاراتای جنوب هند، که سالها با سپاهیان اورنگ زیب جنگید. م.

Lord Curzon ۱۶

روشدند ، که قادر بود از عناصر آریایی و سامی ، تمدن جدیدی را به وجود آورد . تمدن اسلامی ، محصول اختلاط تفکرات آریایی و سامی است . کودکی را مانند که لطافت را از مادر آریایی و صلابت را از پدر سامی به ارث برده است . اگر اعراب ، ایران را تسخیر نکرده بودند ، تمدن اسلامی ناقص می شد . با فتح ایران مسلمانان به همان اندازه سیراب شدند که رومیان از فتح یونان .

۳۳

غالب (۱۶)

تا آنجا که من دریافته ام . میرزا غالب ، شاعر فارسی گوی احتمالا بهدیه منحصر به فردی است که ما مسلمانان هند به ادبیات جهان اسلام تقدیم کرده ایم . در حقیقت او در زمره شاعرانی قرار می گیرد که تفکر و دانش آنان از حد و مرز مذهب و ملیت فراتر است . روزی ، زمان شناخت افکار غالب بهم فرا خواهد رسید .

۳۴

سرپرستی ملل

غیر ممکن است کشوری در سیاست خارجی خویش بی تفاوت باشد .

۱۶ - میرزا اسداله خان ، وفات ۱۸۶۹ م ، در آگرا متولد شد و در دهلی وفات یافت . آثاری به اردو و فارسی دارد . دیوان شعر فارسی او ۱۸ هزار است . م .

(۴۸)

ملل مختلف محتا چند که سرپرستی ششوند . گاه مبلغی که به این منظور پرداخت می شود ، برابر بانان روزانه یک ملت است . قبل از آنکه مکزیکی ها بتوانند اداده اسور کشور خویش را برعهده بگیرند ، زیر نفوذ اسپانیاییها مراحل سختی را گذراندند .

۳۵

معروفیت یک شعر

وقتی شعری قبول عام می یابد ، بدان لحاظ نیست که حقایق منطقی بسیاری در آن آمده . شعر ”دهکده متروک“ (۱۷) اثر گولدسمیت (۱۸) از معروفیت خاصی برخوردار است ، ولی در آن از نارساییهای علمی و استدلال درباره اقتصاد بد ، سخن رفته است .

۳۶

هگل ، کوتاه ، غالب ، بیدل (۱۹) و وردزورث

در اینجا اعتراف می کنم که به هگل ، کوتاه ، میرزا غالب ، میرزا عبدالقادر بیدل و وردزورث بسیار مدیونم . دو بزرگوار اول مرا به ماهیت اشیا رهنمون شدند . شعرای بزرگ ردیف سوم و چهارم به

17. Deserted village.

18. Goldsmith.

۱۹ - میرزا عبدالقادر بیدل (ابوالمعالی) وفات ۱۷۲۰ م ، از شعرای

سبک هندی . م .

من آموختند پس از آنکه تحت تأثیر افکار و اشعار خارجی قرار
گرفتم ، چگونه شد رقی باقی بمانم . آخرین نفر آن زمان که به
تحصیل اشتغال داشتم ، مرا از الحاد باز داشت .

۳۷

تمثیلات

برای بیان عمیق ترین حقایق زندگی به شکل ضرب المثل‌های محلی
نبوغ و استعداد فوق العاده لازم است . شکسپیر ، مولانا جلال الدین
وعیسی مسیح ، نمونه بارز و نادر این نبوغند .

۳۸

مهم یهودیان در تمدن

درگسترش تمدن جهانی نمی‌توانیم مهم یهودیان را نادیده بگیریم .
شاید برای اولین بار یهودیان بودند که اصول اخلاقیات را در تجارت
وارد کردند و اصل عدالت را در این زمینه رایج ساختند .

۳۹

مازینی (۲۰)

قلمرو واقعی علم مازینی ادبیات بود ، نه سیاست . سودی که ایتالیا

۲۰ - Mazzini ادیب و سیاستمدار میهن پرست ایتالیا (۱۸۷۲-۱۸۰۵)

در غزلی در کتاب بانگ درا اقبال از او نام برده است . م .

از شوق او به امور شهابی به دست آورد، آنقدرها نیست که بتواند
باضروی که دنیا از این بابت کرد، مقایسه شود.

۴۰

وابستگی علم به مسائل ماوراء الطبیعه

دانش جدید نباید امور ماوراء الطبیعه را به (سخره) بگیرد، زیرا اولین
بار لایب نیتز (۲۱)، دانشمند و حکیم الهی بود که مسأله ماده را
به دنیای علم ارائه کرد. او گفت ماده عبارت از نیرو و مقاومت
است. پس علم با قرض گرفتن دریافت این نظریه از ماوراء الطبیعه
به بررسی و پژوهش درباره چگونگی نیرو پرداخت. روشن است که
علم بخودی خود نمی توانست به چنین کشفی نایل آید.

۴۱

علم جدید و دموکراسی

تصورات، هم نسبت به یکدیگر عمل و عکس العمل دارند. رشد
روحیه استقلال طلبی فردی در سیاست بدون تاثیر در افکار علمی

۲۱ - Leibnitz، فیلسوف و ریاضی دادن (۱۷۱۶-۱۸) و متخصص

آمرزشی و پرورش م.

معاصر نیست . افکار نوکایانات را دموکراسی اتمم.ا زنده به حساب می آورد .

۴۲

ارتباط افکار با زمینه تاریخی آنها

فرایند افکار آدمی نمی تواند از سایر مراحل فعالیت های او به صورت جداگانه تصور شود . تاریخ های فلسفه به ما می گویند که مردم گوناگون به چه می اندیشیده اند ، اما از علل و موجبات اجتماعی و سیاسی که خود انگیزه هایی برای شکل پذیری تفکرات انسان است ، اطلاعی در اختیار ما نمی گذارند . فراهم کردن تاریخ کامل فلسفه مطمئناً وظیفه سنگینی است . کسی که صرفاً عالم دین باشد نمی تواند تمام مسائل معتبر اصلاحات لوتر (۲۳) را برای خوانندگانش افشا کند . درخور است که ، افکار متعالی را از مسیر عمومی فعالیت های ذهنی بشر دور نگاه داریم .

۴۳

تعدد زوجات

جواز تعدد زوجات هرگز بدان معنی نبود که به صورت امری عمومی

۲۳ - Martin Luther..... ، (۱۵۴۶ - ۱۵۸۳ م) عالم دین

و مصلح آلمانی و بانی نهضت پروتستان . م .

و جهانی در آید. این امر بدان لحاظ مطرح شد، تا مشکلات و مسائلی که خاص جامعه مسلمانان است برطرف شود. از نظر اسلام یکی از بدترین کارهایی که مجاز هم هست، طلاق ذکر شده. یک علت آزادی تعدد زوجات آن بود، که از میزان طلاق بکاهد و این کارزشت یک پدیده عمومی اجتماعی تلقی نشود. از دو عمل ناپسند اجتماعی یعنی طلاق و تعدد زوجات، دست کم مسأله دوم زیان کمتری دارد. اما تعدد زوجات تنها دلیل برای جلوگیری از طلاق نیست، بلکه جنبه دیگر آن متوجه طبیعت مرد است، که به او اجازه می دهد ذات تنوع طلب خویش را ارضا کند و در عین حال نتواند از مسئولیت این پیوستگی فرار کرده و بی تفاوت باقی بماند. در انگلستان ممکن است کسی دچار چنین برنامه پایی شود، اما قانون بطور کلی او را آزاد می گذارد و توجه ندارد که آزادی جنسی او ممکن است مسائلی به دنبال داشته باشد که مسئولیت آن بالطبع متوجه او خواهد بود. او در مورد پرورش و آموزش فرزاندانی که خود به جامعه تحویل داده مسئول نیست، و آن فرزندان هم صاحب ارثی از پدر خود نخواهند شد. در بعضی موارد عواقب این کار مصیبت بار است. دولت فرانسه مجبور شد روسپی گری را به عنوان یک امر اجتماعی به رسمیت بشناسد و هم در حفظ بهداشت این گروه کوشش کند. اما شاید بزرگترین انتقادی که می توان بر اصل تک همسری وارد دانست، آمار بالای تعداد زنانی است در بعضی

کشورهای اروپایی، که به لحاظ اجبارهای اجتماعی یا سیاسی نمی توانند شوهری برای خود بیابند. اینان از نعمت ما در بودن محروم می شوند و تدریجاً به راههایی کشانده می شوند تا اسباب کامیابی ولذت دیگران را فراهم سازند و در عوض پرورش فرزند، مهر خود را نصیب دیگران سازند. این قبیل زنان به عوض فرزند، آبتن تصورات خویش می شوند. تازگیها هم تصور "حق رای زنان" جمع آنان را دلخوش کرده است. در واقع این قبیل برنامه ها برای جوامعی است، که تعداد زنان بیش از مردان است، و یا اگر دوست دارید به صورتی دیگر بیان کنم. یعنی تلاش به نمایندگی از جانب زن، که برایش شوقی در زمینه سیاسی جامعه فراهم آورند. اگر جامعه پی نمی تواند برای گروه زنان فراوانی که دارد شرایطی فراهم آورد که صاحب فرزند شوند و به پرورش آن همت گمارند، باید موجباتی دیگر برای سرگرمی آنان در نظر بگیرد. عمق رنجی که اروپا می برد و حرکتی که در آن پهنه به چشم می خورد فریاد برای شوهر است نه حق رای. در نظر من این چیزی جز اعتراض علیه بیکاری نیست.

۴۴

آرمان معنوی ملت آلمان

گفته در کتاب فاووست آرزوهای معنوی ملت آلمان را آشکار کرده

است نه کتابهایی که تصور می شود ، ماهیگیران گالیلی * به رشته
تحریر در آورده اند ، آلمانیها هم به نحو کامل از این امر اطلاع
دارند .

۴۵

در دوست داشتن دشمن

محبت از اکسیر هم گرانبها تر است . می گویند کیمیا فلزات را به
طلا مبدل می سازد ، اما محبت احساسات پست را در خویش جذب
می کند . مسیح و بودا گویی کاملاً نقش واقعی محبت و ذات آن
را دریافته بودند ، اما تحت تاثیر جذبه های مذهبی و تصورات
خویش واقعیت حیات را نادیده گرفتند . خیلی ناگوار است از کسی
بخواهیم دشمن خویش را دوست بدارد . ممکن است بعضی بزرگواران
و افراد استثنایی عمق این دستور العمل را دریابند و به کار بندند ،
اما به عنوان یک اصل اخلاقی ملی نمی تواند کار برد داشته باشد
و رعایت شود . اگر در جنگ روسیه و ژاپن ، ملت ژاپن می خواستند
بر اصول اخلاقی مبتنی بر مذهب خویش رفتار کنند ، نتیجه جنگ
صورت دیگری پیدا می کرد .

* ماهی گیرانی که به نویسندگی هم شوق داشتند . م .

۴۶

آرمانها

افراد ولتیهامی میرند و ناهود می شوند ، اما فرزند انشان که همان اندیشه های آنان است ، هرگز زوال نمی پذیرند .

۴۷

وبال گردن سفید پوستها (۲۴)

روزی مردی انگلیسی به من گفت ، از یهودیها نفرت دارد ، زیرا آنان خود را برگزیده بندگان خدا می دانند . چنین تصویری تحقیر سایر ملل را به دنبال دارد . او به یاد نداشت که عبارت ” وبال گردن سفید پوستها “ بهمان اعتقاد یهودیها را به شکلی دیگر در خود دارد .

۴۸

فاووست ، نوشته گوته

گوته یک افسانه معمولی را انتخاب کرد و آن را با تمام تجربیات قرن نوزدهم انباشت ، حتی با تجربیات نژاد بشر . او افسانه یی

White man's burden. - ۲۴

عادی را به صورت بیان والاترین ایده آلهای انسانی در آورد و آن چیزی جز یک تفضل آسمانی و مهارت و عطیهٔ ربانی نیست . همچون خلق کردن جهانی زیباست که از هیچ در وجود آمده است .

۴۹

میلتون

مطالبی که میلتون دربارهٔ الهیات با آنهمه خلوص و پاکی مطرح کرده ، نمی تواند جاذبه یی در ذهنیات عصر ما داشته باشد . کمتر کسی به مطالعهٔ آثار او می پردازد . در این جهت کاملاً حق با ولتر است که می گوید شهرت میلتون روز به روز افزایش می یابد ، چون کسی آثارش را نمی خواند . اما یک چیز را دربارهٔ میل-تون یاد آوری می کنم . هیچ شاعری به اندازهٔ او کارش را جدی نگرفته است . سبک فاخر او ، چون بنای عظیم افسانه یی است که دست ناتوان زمان نمی تواند در آن خلی وارد آورد .

۵۰

روح اسکار وایلد

روح اسکار وایلد به ادبیات فارسی نزدیکتر است ، تا ادبیات انگلیسی .

ملل راهزن

ولخرجی زاده وپرورده طبیعت است. گویا طبیعت نمی پسندد ثروت در اختیار عده معدودی باقی بماند. وقتی در یک خانواده با تلاش زیاد ثروتی فراهم می شود، اغلب در نسل سوم ویا حتی دوم ولخرجی پدید می آید و تمامی اندوخته ها هرباد می رود. اگر طبیعتا چنین جریانی اتفاق نيفتد، سرمایه ودارایی در یک محدوده متوقف و راکد می ماند. آنچه درباره افراد و خانواده ها در جامعه جاری می شود، شامل ملت ها نیز می گردد. آنگاه که ملتی از طریق صنایع و یا به هر طریق دیگر پول بسیاری به دست می آورد و می اندوزد، به جهاتی حرکت چرخ صنایع و گردش پولی در سایر کشور های جهان کند می شود، در چنین شرایطی ملل راهزن از راه می رسند وثروت در بند شده را آزاد می کنند.

وارن هاستینگز(۲۵)، کلیو(۲۶) ومحمود غزنوی، گویی نمایندگان این

۲۵ - ... Warren Hastings (۱۸۱۸-۱۷۲۵م)، حاکم استان

بنگال بود وزمانی فرمانروای کل مستعمرات هند. م.

۲۶ - ... Robert Clive مشاور و همکار هاستینگز، که هر دو

ثروت بی اندازه ای را از هند به یغما بردند. م.

ملل بوده اند و عوامل ناخود آگاه طبیعت برای گسترش صنایع در محدوده های دیگر . شاهد واقعی تاراج وارن هاستینگز ، در تاریخ ، پول رایج اروپا در قرون هفدهم و هجدهم است .

۵۲

حافظه انسان

آدمی عموماً حافظه ضعیف دارد ، اما مواردی که تحت ستم همجنوع خود بوده خوب به یاد می آورد .

۵۳

سرگرمیها در کشورهای مسلمان

در کشورهای اسلامی هیچ نوع وسایل تفریح وجود ندارد و از سالنهای تئاتر و تالارهای موسیقی و کنسرت خبری نیست ، خوب ، چندان عیبی هم ندارد . میل به سرگرم شدن ابتدا در چنین محلهایی تشفی می یابد ، اما پس از مدتی خسته کننده و یکنواخت می شود و کسی را راضی نمی کنند . تجربه ای که اروپاییها دارند ، این حقیقت تاسف انگیز را آشکار می سازد . اگر در کشورهای اسلامی امکانات تفریح وجود ندارد نه به خاطر فقر و نه به لحاظ پرهیزگاری

است و نه می توانیم ادعا کنیم که در آنان احساس لذت بردن مرده است، بلکه می تواند نشان دهنده این واقعیت باشد که مردم چنین کشورهایی سرگرمی کافی و لذت لازم را در حلقه آرام خانه خویش فراهم ساخته اند. ناقد اروپایی نباید در ایرادگیری به جامعه اسلامی عجولانه قضاوت کند. من قبول دارم که بی تفاوتی نسبت به سرگرمیهای خارج از خانه حتما نمی تواند دلیل وجود سرگرمیها و لذات در خانه باشد و هم چنین نمی توان مدعی شد که توجه و علاقه نسبت به تفریحات خارج از محدوده خانه، ناشی از احساس ناخوشایندی و یکنواختی در جمع خانواده است.

۵۴

نیروی اقلیتها

سرنوشت جهان اصولاً توسط اقلیتها تعیین شده است. تاریخ اروپا گواه صادقی بر این مدعاست. به نظر من اینکه اقلیتها عاملی قدرتمند در تعیین سرنوشت بشر بوده اند، دلایل روانشناسی دارد. خصوصیات اخلاقی، نیرویی نامرئی است که سرنوشت ملتها را تعیین می کند، و در اکثریت هرگز خصوصیات اخلاقی شدید و جدی بروز نمی کند. و این نیروی است که هرچه بیشتر گسترشی یابد و آزادانه پخش شود، کار برد آن ضعیف تر خواهد بود.

شک و مذهب

بعض مردم شکاک هستند ، ولی در ذهن آنان گرایشهای مذهبی وجود دارد . خاور شناس فرانسوی ، رنان (۲۷) ، علی رغم شکی که ابراز می دارد ، لزوم خصوصیت مذهبی ذهن خویش را نیز آشکار می سازد . ما باید درباره اظهار نظر نسبت به خصوصیات اخلاقی مردم و زمینه های ذهنی آنان بی نهایت دقت کنیم .

شعر عرب

شاعری عرب در شعری حماسی چنین می گوید :

” پسر عموی من در حاشیه پرتگاهی قدم من زند . آیا بروم ، و از پشت سر با اشاره ای او را به عمق دره در میان توده های سنگ بیند ازم ؟ که دیگر طلوع آفتاب را نبیند ! اگر به رفتار او بیندیشم ، پس باید چنین کنم ، اما نفس عمل ، هستی و ناجوانمردی است “ .

۲۷ - ... Josef Earnest Renan (۱۸۹۲ - ۱۸۲۳ م) ،

مؤلف کتابهای متعدد مذهبی ، مناظره های او با سید جمال

الدین اسد آبادی معروف است . م .

عبارات فوق را می توان به عنوان نمونه واقعی شعر عرب به حساب آورد . هیچ شعری تا این حد بی پرده ، صریح و برخ-وردار از روح مردانه نیست . عرب عمیقاً با واقعیت در ارتباط است ، و فریبندگی رنگ توجه او را منحرف نمی کند . اگرچه درچنین مواردی متنبی (۲۸) را باید مستثنی کنیم ، زیرا متنبی ، فقط از لحاظ به کار گرفتن واژه ها عرب است ، روح او عمیقاً ایرانی است .

۵۷

حیرت

افلاطون می گوید ، حیرت (شک) مادر همه دانشهاست . میرزا عبدالقادر بیدل از جهتی دیگر بر این می نگرد و می گوید .

نزا کتھاست در آغوش مینا خانه حیرت
مژه برهم وزن تانشکنی رنگ تماشا را

حیرت افلاطون بدان جهت دارای اهمیت است که انگیزه پرسش

۲۸ - ابو الطیب احمد بن حسین المتنبی (وفات ۳۵۴ ق/ ۹۵۶ م)
شاعر عرب که در کوفه به دنیا آمد و در بغداد در گذشت . م.

کردن دربارهٔ اوضاع جهان را در ما به وجود می آورد، اما بیدل خود حیرت را به اعتبار می نشاند، بدون توجه به نتایج یا عوارض ذهنی آن. غیر ممکن است کسی بتواند زیباتر از بیدل مضمونی را به این لطافت پیروانند.

۵۸

دورانی حساس برای مسلمانان هند

تا آنجا که به سیر تکاملی اعتقادات مذهبی مربوط می شود، سه مرحله عمده در پیشرفت جامعه وجود دارد.

۱ - ظهور شک نسبت به مذهب سنتی، طغیان علیه اصول دین.

۲ - نیاز به مذهب به عنوان نیروی ارزشمند اجتماعی و اعتبار وجود آن. سرانجام احساس می شود و پس از آن مرحله دوم می آید. یعنی آغاز کوشش برای آشتی دادن میان مذهب و عقل.

۳ - این تلاشها لزوماً به اختلاف عقاید کشیده می شود و شرایط نامساعدی به وجود می آورد که به هیچ وجه به نفع جامعه نیست. اختلاف عقاید اگر صمیمانه نباشد (که متأسفانه عموماً نیست) به تجزیه یا فروریختگی جامعه منتهی می شود. اکنون

مسلمانان شبیه قاره هند در مرحله سوم قرار دارند و شاید در بخشی از مرحله دوم و قسمتی از مرحله سوم. به نظر من این دوران از مراحل اجتماعی ما بی نهایت حساس و بحرانی است. اما یک چیز موجب خوشحالی من است که نیروهای مختلف با زمینه های گوناگون در تلاشند که استقلال و اتحاد ملی را حمایت و نگهداری کنند. اما موجبی برای نگرانی هم وجود دارد، که نفوذ و نقش حساس آنها دیری نپاید.

۵۹

تفسیر تاریخ

تاریخ، تعبیر انگیزه های انسانی است، اما ما نمی توانیم انگیزه های معاصران و حتی دوستان نزدیک خود را در زندگی روزانه امروز دریابیم. پس بسیار مشکل است عوامل محرکه را در آنها که قرن ها قبل از ما زیسته اند، بشناسیم. بدین ترتیب، وقایع تاریخی را باید با احتیاط بسیار بپذیریم.

۶۰

برابری

توانایی کاربرد یک نظریه بستگی به قدرت شخصیتی دارد که آن را ابراز می دارد. مهد، بودا و عیسی مسیح بزرگترین شخصیت هایی

بودند که مساوات را ارائه کردند ، اما تنها قدرتی که در جهان هنوز
هم در جهت برابری ، تلاش می کند ، اسلام است .

۶۱

ارزش اشیاء

خدا همه چیز را خلق کرد ، اما انسان به آن ارزش داد . نیچه
گفته است : فنا ناپذیری یک ملت منوط به خلق پیوسته ارزشهاست .
مسلم است اشیاء همه توسط خداوند در وجود آمده است ، اما ارزش
و مفهوم هرچیز را انسان می آفریند (۲۹) .

۲۹ - در پیام مشرق محاوره بین خدا و انسان آمده است .

خدا به انسان :

جهان را ز یک آب و گل آفریدم	تو ایران و تا تار و زنگ آفریدی
من از خاک بولاد ناب آفریدم	تو شمشیر و تیرو تفنگ آفریدی
تبر آفریدی نه مال چمن را	قفس ساختی طائر نغمه زن را

انسان به خدا :

تو شب آفریدی چراغ آفریدم	سفال آفریدی ایاغ آفریدم
بیابان و کمسار و راغ آفریدی	خیابان و گلزار و باغ آفریدم
من آنم که از زهر نوشینه سازم	من آنم که از سنگ آئینه سازم

۶۲

غایت آموزش و پرورش

قانون اشیاء چیست ؟ تلاش مداوم . پس هدف از آموزش و پرورش چه می تواند باشد ؟ بطور مسلم آماده ساختن شرایط لازم برای تلاش . آن کسان که در جهت برتری عقلی کوشش دارند ، بیشتر ضعف خود را آشکار می سازند .

۶۳

خدا توانایی است

قدرت بیش از راستی جنبه الوهیت دارد . خدا قادر مطلق است . پس شما هم چون پدر خود که در آسمانها جای دارد ، قوی باشد .

۶۴

انسان قدرتمند

مرد توانا محیط را آنطور که می خواهد می سازد و ضعیف ناچار است خود را با آن تطبیق دهد .

۶۵

اثر قدرت

قدرت دروغ را لمس می کند ، و بعد دروغ به صورت واقعیت جلوه می کند (۳۰).

۶۶

اندیشه مرد توانا

تمدن ، حاصل اندیشه یک مرد قدرتمند است .

۶۷

در انتظار مهدی

در انتظار مهدی که مظهر قدرت است نباشید . بروید و او را در وجود آورید .

۳ - در اسرار خودی آمده است :

مدعی گرمایه دار از قوت است	دعوی او بی نیاز از حجت است
از کن او زهر کوثر می شود	شیر را گوید شری شر میشود
باطل از قوت پذیرد شان حق	خویش را حق داند از بطلان حق

(۶۷)

۶۸

اندیشه ملیت

تصور ملیت مطمئناً یک عامل سازنده و سالم در پیشرفت جوامع به حساب می آید. اما معمولاً راه اغراق می پیماید، و آن زمان که در طریق اغراق افتاد جهتی می یابد که تمایلات عالیه انسانی را در هنر و ادبیات زوال می بخشد.

۶۹

ضوابط لازم اجرای اخلاقی کانت (۳۱)

کسی نمی تواند شرایط مسلم اخلاقی بین المللی کانت را بفهمد، مگر اینکه تاریخ سیاسی ملت آلمان را مطالعه کند. تمام دقت فراوانی که کانت در بیان و درک وظیفه آورده، بطور کامل در آنجا مصداق می یابد.

۷۰

تجدید حیات وجودی مرده

گاه اتفاق می افتد که یک سازمان بیمار اجتماعی در خود نیرویی

۳۱ - انجام کار بدون چشمداشت، دوست داشتن وظیفه به خاطر وظیفه م.

بر می انگیزد تا بتواند سلامت را به آن واحد باز گرداند . مثلاً
تولد شخصیتی بزرگ ، که ممکن است با ارائه هدفهای تازه در کالبدی
مرده جان تازه بدمد .

۷۱

خویشتن داری

اگر افرادی خویشتن دار باشند ، خانواده‌ها پامی گیرند ، اما در
جوامع ، امپرا طوریه‌ها را برپا می دارند .

۷۲

بت پرستی

اسلام و مسیحیت هر دو مجبور شدند با حریفی واحد به نام بت پرستی
درگیر شوند . اما در هر حال میان این دو اختلافی وجود دارد .
مسیحیت با حریف خود کنار آمد و سازش کرد ، اما اسلام بکلی آن را
نابود ساخت .

۷۳

تاریخ حیرت انگیز جامعه اسلامی

هر چه بیشتر در تاریخ جوامع اسلامی دقت کنید ، بیشتر تعجب .

خواهید کرد . از اولین روز پیدایش تا آغاز قرن شانزدهم که در حدود هزار سال می شود ، این نژاد پرتحرک دائماً در حال گسترش سیاسی بوده است (گفتم نژاد ، زیرا اسلام به صورت یک عامل به وجود آورنده نژاد فعالیت داشته است .) اما باوجود این طوفان مداوم فعالیت ، این مردم عجیب وقت کافی داشته اند تا گنجینه های علوم قدیم را کشف کنند و در نگهداری آن تلاشی داشته باشند ، برآن بیفزایند ، ادبیاتی متعالی با خصوصیات بالنده بیافرینند و بالاتر از همه نظامی کامل برای قوانین اسلامی وضع کنند ، میراث ارزنده ای که ، قانونگذاران اسلامی برای ما باقی گذاشته اند .

۷۴

طرح جهانی نو

به کمک خصوصیات اخلاقی والا و اندیشه سالم ممکن است بتوانیم دنیای آلوده به گناه و درماندگی را به بهشتی واقعی مبدل سازیم .

۷۵

رنج

رنج هم هدیه خداوند است ، تا انسان بتواند بدان وسیله تمامی جنبه های حیات را احساس کند .

۷۶

بینهایت

ریاضی دان نمی تواند لایتناهی را در سطری بگنجانند ، اما این مهم از شاعر ساخته است .

۷۷

شاعر و واقعیت جهان

واقعیت هستی مراحل مختلف حیات باطنی را در صور مختلف پوشیده می دارد . کاینات چیزی جز بزرگترین جلوه آن نیست . اما هرگز زحمت آشکار کردن را برای ما برخورد هموار نمی سازد . این مهم برعهده شاعر است که مفاهیم را دریابد و بشناساند و بر بشریت آشکار سازد . پس چنین می نماید که شاعر و واقعیات رو در روی هم قرار می گیرند ، زیرا آنچه آن یکی پنهان می دارد ، دیگری آشکار می سازد .

۷۸

ابهام و پیچیدگی

شعر ماتیو آرنولد بسیار صریح و روشن است . اما من غامض بودن و ابهام را در شعر می پسندم ، زیرا اگر شعری چنین خصوصییتی داشته باشد در ژرفای احساسات هیجانی بر می انگیزد .

۷۹

گرامافون تاریخ

تاریخ همچون گرامافون عظیمی است ، که صداها و سوابق ملتهای مختلف را در خود ضبط کرده است .

۸۰

زهد و گناه

لا اقل در یک مورد می توان گفت ، که گناه بر زهد برتری دارد .
در گناه عامل تصویری وجود دارد که زهد فاقد آن است .

۸۱

مردم پرهیزگار

گناه یک ارزش آموزشی خاص خود دارد . آدمهای با تقوا اغلب نادان هستند .

۸۲

اندیشه بدون عمل

زندگی مانند هنر شاعری و نقاشی است که به تماشای باید ظهور و تجلی یابد . فکر بدون عمل ، مرگ است !

(۷۲)

۸۳

موفقیت در زندگی

در زندگی عزم و اراده است که موفقیت می آورد ، نه اندیشه ها .

۸۴

رسیدن به رهبری ملت

اگر می خواهید به مقام رهبری ملت برسید ، باید بدانید با این عروس هزار داماد چگونه عشقبازی کنید . باید با حرفهای مبتذل و بدون لطف ، او را سرگرم کنید و اگر لازم شد گاه با دروغی او را بفریبید .

۸۵

انسان موفق

حدود خویش را بشناسید ، استعداد های خود را دریابید ، موفقیت شما در زندگی مسلم خواهد بود .

۸۶

ذهن تنبل
حالتی گیاه گونه در ذهن تنبل وجود دارد ، جوشش و حرکت در آن نیست .

۸۷

ارزش اخلاقی رنج
هیچ مذهبی نمی تواند ارزش اخلاقی رنج را نادیده انگارد . بنیان گذاران مسیحیت به لحاظ آنکه تنها بر حقیقت رنج تاکید کردند ، دچار اشتباه شدند ، همچنین ارزشهای اخلاقی دیگر عوامل را ناچیز انگاشتند . باوجود این ذهن اروپایی نیازمند اینچنین شیوه تفکر بود ، تا بتواند اندیشه های والا اما یک سویه یونانی را کمال بخشد . گوته می گوید ، بدون شک یونانیان درباره رویای زندگی بهترین تفکر را داشتند ، اما آن تفکر محتساح جلایافتن با عنصر رنج بود که بوسیله مسیحیت عرضه گردید .

۸۸

کتابخانه بزرگ
اگر شما صاحب کتابخانه بزرگی هستید و تمام کتابهای موجود آن

را نیز می شناسید، معلوم می شود آدم ثروتمندی هستید، نه اینکه لزوماً متفکر هم باشید. آن کتابخانه بزرگ تنها یک چیز را می تواند ثابت کند که شما آنقدر پول دارید که می توانید اشخاص زیادی را به خدمت بگیرید تا به شما فکر کنند.

۸۹

معجزه

سؤال بر سر این نیست که آیا معجزه بی اتفاق افتاده یا نه این تنها یک مسأله "گواهی"، است که به صورتهای گوناگون تفسیر می گردد. اصل سهم این است که آیا اعتقاد به معجزه برای جامعه مفید است یا خیر؟ من قائلم که اعتقاد به معجزه مفید به حال جامعه است، زیرا چنین طرز تفکری بر احساس و تصورات الهی مردم می افزاید و همین امر جوامع ابتدایی را از پاشیدگی نجات می دهد. این امر در اسلام مصداق بیشتری پیدا می کند، چون ملیت اسلام بر سرزمینها متکی نیست، بلکه یک امر تصویری است. بدین ترتیب از نقطه نظر تحولات و پیشرفت اجتماعی اعتقاد به معجزه یک مسأله ضروری جلوه می نماید.

دموکراسی

دموکراسی تمایلاتی در خویشتن دارد که روح را برای پذیرش امور قانونی پرورش می دهد. این امر به خودی خود چیز بدی نیست. اما متأسفانه اخلاقیات ناب را کنار می زند، وسعی دارد امور غیر قانونی و خطا را در مفهوم و معنی به جای آن معرفی کند.

دموکراسی و استعمار طلبی

جاه طلبی های ملل مختلف اروپایی نشان می دهد که غربیان از نظام دموکراسی خسته شده اند. عکس العمل هایی که علیه دموکراسی در انگلستان و فرانسه به چشم می خورد، به نوبه خود پدیده یی عالی است. اما برای پی بردن به اصل و مفهوم این پدیده، دانشجوی علوم سیاسی صرفاً نباید به تحقیق و جستجوی علل تاریخی بپردازد و سپس داوری کند، بلکه باید مطالعاتی عمیق تر را نیز در نظر داشته باشد و این عکس العمل ها را از نقطه نظر روانشناسی نیز مورد بررسی قرار دهد.

خوانندگان اخلاقی

پیشینیان شخصیتها را پرورش می دادند ، و ما امروز خوانندگان اخلاقی عرضه می کنیم .

ناجیان جوان وزن مسلمان

رهبران جوان تحولات اجتماعی ما گمان می کنند با تجویز چند نکته از اصول اجتماعی غربی زن مسلمان را از فراموش خانه بیرون خواهند کشید و او پوشش خویش را پاره خواهد کرد . ممکن است واقعیتهای در پشت این امر قرار داشته باشد ، اما من از آن بیم دارم ، زمانی که او خودش را بدون پوشش لازم در برابر اینان ببیند ، مجدداً خود را برابر چشمان این رهبران جوان ببوشاند !

شاعران و سیاستمداران

ملتها در قلب شاعران متولد می شوند و در دمت سیاستمداران

به کمال می رسند و سپس می میرند .

۹۵

پیامبر

پیامبر فقط یک شاعر واقعی است .

۹۶

فلسفه و شعر

فلسفه مجموعه ای از مجزرات است که در شب سرد و عبوس
استدلای انسانی بر خود می لرزد . شاعر فرا می رسد و در پرتو
معقولات سردی را به گرمی مبدل می سازد .

۹۷

افلاطون و کوتاه

طبیعت در این تصمیم متحیر بود که افلاطون شاعر بشود یا فیلسوف

(۷۸)

چنین می نماید که در مورد کوتاه هم حیرت و عدم تصمیم وجود داشته است .

۹۸

فریبنده ترین چیز روی زمین

زنی که از زیبایی خارق العاده یی برخوردار است ، ولی کاملاً از این برکت و ملاحظاتی که نصیب پرده ، بی خبر ، به نظر من می تواند فریبنده ترین و جالب ترین چیز روی زمین خدا باشد ،

۹۹

برابری اجتماعی بدون اعتقاد مذهبی

طرز تلقی در مورد آزادی مذهبی و حتی برابری در آن بدون عقیده دینی ، به احتمال زیاد در ذهن عامه یک امر غیر قابل درک محسوب می شود . اگر شما هم به چنین تصوراتی مبتلا هستید ، آرام باشید و هرگز از موقعیت خود دفاع نکنید .

۱۰۰

غروب آفتاب در کنار رود خانه راوی

تمام دانستنی های حیرت انگیز کتابهای موجود در کتابخانه شما نمی تواند به اندازه یک صحنه پر جلال غروب در ساحل رودخانه راوی ارزش داشته باشد.

۱۰۱

زندگی سیاسی واقعی

زندگی سیاسی حقیقی با ادعای اعطای حقوق اجتماعی آغاز نمی شود، بلکه ادای وظیفه مقدمه آن است.

۱۰۲

اهمیت ازدواج واقعی

زیباییهای طبیعت را تنها از دریچه چشم عاشق می توان احساس کرد، از این رو اهمیت ازدواج واقعی را در می یابیم.

۱۰۳

خدا و شیطان

خدا و شیطان هر دو فقط فرصتهایی برای انسان فراهم می آورند ، سپس او را رها می کنند تا هر یک را که مناسب تشخیص می دهد برگزیند .

۱۰۴

در اندیشه شیطان

” به شیطان ببند یشید ، او مطمئن حضور پیدا خواهد کرد “ این امر در مورد خداوند نیز صادق است .

۱۰۵

شکر گزاری

خدایا ، تو را سپاس می گویم که مرا به وجود آوردی ، در جهانی که صبحگاهانش چون گل سرخ و غروبهایش شعله ور و جنگلهایش انبوه است ، آنجا که تیرگی ناپایدار شبهای طبیعت گویی در خوابی ابدی فرورفته است .

۱۰۶

روانشناس و شاعر

روانشناس شنا می کند ، اما شاعر در عمق آب فرو میرود .

۱۰۷

غریزه جمع آوری گواهی نامه حسن اخلاق

در بعضی طبقات خانواده های هندی ، خاصه دست پروردگان حکومت انگلیس تمایلی تازه به وجود آمده که گواهی نامه های مختلف را جمع آوری کرده ماشین کنند . این گواهی نامه ها مخصوصا از مقامات مختلف اداری به دست می آید و خود به صورت عریزه بی در آمده که روزی بطور مسلم در اولاد آنها آشکار خواهد شد . در نظر من این حالت یک نوع ضعف اخلاقی است که در اثر محیط نا سالم به وجود آمده است .

۱۰۸

تشریح ذهن انسان

اگر علاقه مند هستید که به تشریح و شناخت ذهن آدمی بپردازید

می توانید از وونت ۳۲ ، وارد ۳۳ ، جیمز ۳۴ یا ستووت ۳۵ کمک بگیرید . اما آنکس که واقعا به ذات انسان پی برده است ، فقط گوته می تواند باشد .

۱۰۹

انسان و بینهایت

همان گونه که سبزه روییده برکنار جویبار نوای موسیقی دل انگیز و شیرینی را که از کنارش می گذرد نمی شنود ، انسان نیز که بر کرانه لایتناهی پرورش می یابد ، سرود آرام و ملایم ربانی را نمی فهمد همان که میان روح و زندگی او هماهنگی برقرار می سازد .

۱۱۰

شاعر به عنوان انسان

دوست عزیز ، بیا ، توقف مرا به عنوان متفکری مجرد و خیالپرداز

۳۲- Wundt... ، روانشناسی آلمانی .

۳۳- Ward... استاد فلسفه دانشگاه کمبریج ، روانشناس نامی انگلیسی .

۳۴- James... فیلسوف و روانشناس آمریکایی .

۳۵- Stout... فیلسوف و روانشناس انگلیسی .

آرزوهای بزرگ می شناسی . اکنون مرا در خانه ببین که با کودکان بازی می کنم ، به نوبت به آنان سواری می دهم ، گویی اسب چوبی آنان هستم ! آه ، مرا در جمع خانواده ام ببین که در کنار پای مادر سپید مویم لمیده ام که وقتی با دستهای معجزه گرش مرا لمس می کند ، جریان زمان به عقب بر می گردد و بار دیگر احساس روزهای کودکی و ایام مدرسه را در من بر می انگیزد . علی رغم تماسی آن تفکرانی که از کانت و هگل در ذهنم موج می زند اینجا تو مرا به عنوان یک انسان خواهی شناخت .

۱۱۱

اثر فلسفه و شعر

فلسفه ، سالخوردگی و کهنولت است و شعر تازگی و جوانی .

۱۱۲

شکسپیر و گوته

شکسپیر و گوته هر دو درباره فکر آسمانی خلقت بازاندیشی

کرده‌اند. اما در هر حال اختلاف مهمی میان آن دو وجود دارد. مرد واقع‌گرای انگلیسی دربارهٔ فرد می‌اندیشد، اما خیال‌پرداز آلمانی جهانی فکر می‌کند. فقط کتاب فاوست او نشان‌دهندهٔ جنبهٔ فردیت است. در واقع او انسانیت مجزا شده است.

۱۱۳

ارزش لحظات

من ارزش روزها، ماهها و سالها را در برابر تجربیاتی که به من عرضه کرده‌اند در می‌یابم، وگاه از اینکه متوجه می‌شوم یک لحظه بیش از یکسال در بعض موارد معتبر بوده است، تعجب می‌کنم.

۱۱۴

علم و تجربه

هر تجربه چیزی تازه را در روح انسان بر می‌انگیزد. حتی تجربهٔ گناه هم بعضی جنبه‌ها را در روح شما آشکار می‌کند، که قبلاً در مورد آن غافل بودید. پس تجربه دارای دو وجه علمی است.

یکی اینکه به شما خود آگاهی می دهد تا اسوری را که بدون حضور
شما در جریان است ، بشناسید. دیگر آنکه چه تواناییهایی در وجود
خود شماست .

۱۱۵

حقایق عادی

هیچ چیز معمولی تراز واقعیات نیست ، باوجود این گویی انسان
درباره شناخت آنها ناتوان و کور بود ، تا اینکه بیگن چشمها را
بروی حقایق گشود .

۱۱۶

هوراس (۳۶) ، مونتین (۳۷) و آزاد

”و بدین سان ما به هر طرف رانده می شویم ، آنطور که چوبی
را به جانبی حرکت می دهند ، این قایقهایی که به هر طرف روانند ،
دیگران می رانند“.

و مونتین تحت تاثیر بیت فوق که از هوراس است چنین می گوید :

« ما نیستیم که می رویم ، بلکه ما را به جانبی می برند ، همانند چیزی که شناور است ، گاه به آرامی بر سطح آب می لغزد و زمانی با شدت به اینطرف و آنطرف حرکت دارد . حالت آن بستگی دارد به دریا که آرام است یا طوفانی ، » .

وقتی این عبارات را از مونتین می خواندم ، شعری از شاعر فقید خود مان مرحوم آزاد به خاطر آمد که در این مضمون بیانی بس زیباتر از هوراس و مونتین ارائه داده است .: می گوید ،

به کشتی گذر زندگی سوار شدم
از آن زمان که نشستم بی اختیار شدم

۱۱۷

نقد ادبی

نقد ادبی لزوماً به ابداع ادبیات منتهی نمی شود . لسینگ (۳۸) را می بینیم که در آستانه ادبیات آلمان ظهور کرده است .

۱۱۸

کوتاهاینه

هیچ ملتی مانند آلمانیها خوشبخت نبود. همان دوران که کوتاه
به کمال زیبایی نغمه سرایی می کرد، هاینه متولد شد. دویهار
متوالی و بدون فاصله.

۱۱۹

حافظ

حافظ در کلماتی چون جواهرات صیقل داده شده و تراشیده زیبایی
و شیرینی معنوی بلبل را ارائه می دهد.

۱۲۰

عشق چون کودک شوخی است

عشق چون کودکی شوخ و بازیگوش است. در ما فردیت را به
وجود می آورد و سپس آرام در گوش ما زمزمه می کند. „رهاش کن“.

۱۲۱

در جستجوی خرد

من اغلب با عقل بازی قایم با شک داشته‌ام، اما او همواره خود را در پشت صخره عزم و اراده پنهان کرده است.

۱۲۲

انسان باهدفی واحد

اگر می‌خواهید در این دنیای آشفته و پرغوغا صدای شما هم شنیده شود، روح خود را با عقیده‌ای مشخص و مسلم تربیت کنید. تنها انسانهایی با عزم راسخ و واحد موجب انقلابهای سیاسی و اجتماعی می‌شوند، امپراطوریه‌ها برپا می‌دارند و نظم و قانون را به دنیا عرضه می‌کنند.

۱۲۳

هنر به تنهایی نا محدود است

علم، فلسفه، مذهب، حدودی دارند. اما هنر در حیطه اقتدار خویش حد و انتهایی ندارد.

۱۲۴

دانش مطلق و تعالی اخلاق

تفکر فلسفی به این نتیجه می رسد که رسیدن به دانش مطلق غیر ممکن است . هرونینگ (۳۹) ، شاعر معروف با بحثی هنرمندانه این غیر ممکن را به کار بردی اخلاقی مرتبط می سازد . شاعر می گوید ، تردید داشتن در دانایی انسان شرط لازم رشد اخلاقی است ، زیرا دانش کامل آزادی انسان را در انتخاب از میان می برد .

۱۲۵

چاپلوسی

عشق و چاپلوسی همان حسن سلوک افراطی است .



یاد داشت‌های پراکنده (۲)

مسلمان دنیای امروز ترجیح می دهد بیهدف برپهنه های ابهام آمیز و تاریک تصوف یونانی ، عجمی سیر و سفر کند . شیوه تفکری که به ما می آموزد بر واقعیات دشوار پیرامون خویش دیده برنندیم و بر آنچه که اشراقیات ذهنی توصیف می شود دیده بدوزیم . تجلیات و اشراقیات آبی ، قرمز و زرد (رنگا رنگ) زائیده مغزی علیل و خسته است . به نظر من کیچ نفسی و پوچ گرایی به معنی جستجوی در زوایایی است که ابداء واقعی در آنجا وجود ندارد و حضور فلسفه ای را نشان می دهد که فساد و زوال جهان اسلام را در پی خواهد داشت . سیر عقلی عهد باستان واقعی عظیم را هر شما آشکار می کند که فساد و زوال تدریجی همواره طی قرون چهره خویش را در پناه گم-جج نفسی و انکار گرایی پنهان داشته است . پیامبران تباهی که به عوالم غیرروحانی متوسل شده اند و نیروی مقاومت و زیست را در جهتی مخرب از دست داده اند ، توانایی خود را در جستجوی ابدیت فرضی بکار می گیرند ، و به تدریج معنویت و کمال عقلی را به نیستی سوق داده با ترسیم دنیایی فریبنده اما غیر واقعی جامعه را به انحطاط می کشانند اینان دنیایی از وهم و خیال می آفرینند

که حتی ذهن سالم و توانا را به جانب نابودی می برد . این احساساتیهای تیره ذهن لطمه های بسیار به جهان اسلام وارد آورده اند. ظهور جامعه اسلامی از آغاز ، تصورات مربوط به امتیاز نژادی یا زبانی را انکار کرد و این شیوه بدان لحاظ اعمال شد که ما مسلمانان معتقد بودیم قوانین دینی از جانب خداوند است ، باوجود این صوفیان قدیم بی پرده سرباز زدند و پنهانی در سواغظ گفتند که آن قوانین (شریعت) صرفاً امری عرضی و ظاهری است ، چیزی چون قشر بیرونی حقیقت ، حقیقتی که به وسیله ای دیگر غیر از قانون الهی باید به آن نایل آمد . در بسیاری از موارد ، قانون ، حتی اگر ظاهری هم بود رعایت می گردید تا از رسواییهای اجتماعی جلوگیری شود ، اما هیچ دانش پژوه تفکر و ادب اسلامی نمی تواند انکار کند که تمایل بی توجهی به قانون یعنی تنها عاملی که جهان اسلام را انسجام می بخشد حاصل مستقیم تصوفی دروغین بود .

خطر این چنین اسلامی را روحانی مسلمان شیخ احمد رفاعی به وضوح دریافته بود . شیخ خطاب به عبد السمیع هاشمی ، می گوید :

پیشوای واقعی کسی است که ظاهر و باطن او بر مبنای اصول شرعی باشد، طریقت همان شریعت است، آنکه شرع را آلوده مسائل

دیگر می کند و مدعی است که باطن چیز دیگر و ظاهر امری دیگر است، دروغ‌گویی بیش نیست (رسالة الحكم الرفاعی، ترجمه مولانا شرر).

مسلمانان اسپانیا با روح ارسطویی و دوری از نفوذ افکار مسست‌کننده غربی و آسیای میانه بطور مقایسه‌ای به روح اسلام بسیار نزدیک‌ترند تا مسلمان آسماء تاریخ سیر معنوی اسلام را در آسیای مرکزی و آسیای غربی از قرن دهم و قبل از آن بخوانید آنچه را که من متذکر شده‌ام جزء به جزء در خواهید یافت.

فریبندگی‌های تباهی چنین است! ما جام زهر را می نوشیم و دست کسانی که آن را فراهم کرده‌اند می بوسیم.

بخطا داشته باشید که اسلام در گستره روزهای روشن تاریخ ظهور کرد. پیامبر بزرگ و آزاد یخواه، در میان افرادی فهمیم به کار و زندگی پرداخت و آنان کوشش داشتند هر کلمه بی که بر لبهای مقدس او جاری می شد به نسل بعد برسانند. مسلماً در تعلیمات او هیچ پوشیدگی و ابهامی وجود ندارد. هر واژه قرآنی بارحیات و روشنی لذت آن را در خود دارد و صرف‌نظر از آموزشهای تاریک و بد بینانه تصوف، به آن مذهبیه که قرن‌ها با تعلیمات خود بشر را گنج کرده‌اند آشکارا حمله می کند. بنابر این واقعیت حیات را با اطمینان و نشاط کامل بپذیرید و برای تجلیل و حمد باری تعالی و فرستاده او به زندگانی

روی آورید . به سخن آن کسان که می گویند در اصول اسلام اسرار و رموزی وجود دارد که بر نامحرمان پوشیده می ماند ، گوش فراندهید . در این ادعا سخن مدعیان دروغین ، مستتر است منظور آنان بندگی شماست . توجه کنید که چگونه رمزگرایان در قالب مسیحیت رومی در پیرامون خویش استحکاماتی فراهم می آورند تا قلمرو تاریک خود را در برابر هجوم احتمالی تاریخ شناسان حفظ کنند. از آن بی اطلاعی که شما نسبت به تاریخ اسلام دارید بهره برداری کرده شما را به بردگی می کشانند ، اما به وضوح در می یابند که افشاگری تاریخ ممکن است روزگاری پرده ابهام آمیز آموزشهای آنان را از فضای عقلی شما به کناره زنند . آنان به شما تعلیم می دهند که قوه ادراک چون عظیم ترین حجاب انسان است (العلم حجاب الاکبر) . بدین ترتیب این دشمن درک حقیقت ، تصور شما را نسبت به حقایق کدر می کند و اصول و اساس علم تاریخ را بی پایه می سازد .

جوانان مسلمان ! از این عامل رمزی و کیج کننده پرهیز کنید . شر او مدت ها است گریبانگیر شما شده است . تجدید نسل مسلمانان بر عدم جدی سازش کاری و یکتا پرستی و اصول اخلاقی باید استوار باشد که هزار و سیصد سال پیش از این به عربان ابلاغ می گردید .

دموکراسی اسلامی

دموکراسی اروپایی تحت الشعاع آشفته‌گی‌ها، بی قانونی‌ها و ترس از هرج و مرج سوسیالیستی قرار گرفت و این شرایط اساساً به خاطر تجدید حیات اقتصادی جوامع اروپایی پدیدار شد. اما نیچه از چنین طرز حکومت گروهی بیم دارد و از عوام ناامید است، او تمامی فرهنگ متعالی را در گروه‌پرورش و رشد ابر مردان اشرافی می‌داند. آیا این عوام تا بدین پایه ناامید کننده هستند؟ اما دموکراسی اسلامی در نتیجه موقعیت خاص گسترش اقتصادی پدیدار نشد، بلکه اصول معنوی آن بر این فرض استوار است که وجود هر انسان مرکز توانایی‌های ناشناخته‌ای است که با پرورش و جایگزینی اخلاقیات خاص و سالم امکانات بسیاری را فراهم می‌آورد. اسلام از این میان عامه مردم را از لحاظ اقتدار و مؤثر بودن پرورش داده است. پس آیا حوادث و تجربیات صدر اسلام نمی‌تواند در زمینه دموکراسی جواب ردی بر عقاید نیچه باشد؟

انتقاد پیامبر ما از شعر عربی معاصرانش

انتقادهای پیامبر از شعر شاعران عرب زبان معاصر او در تاریخ نقل شده است. توجه به دو مورد از این انتقادات برای مسلمانان

هندوستان می تواند بسیار مفید باشد، چون ادبیات آنان بطور کلی حاصل دورانی است که زوال ملی ایشان را در خود داشته است و اکنون در جستجوی ادبیاتی در کمال مطلوب هستند. در یکی از این انتقادهای متوجه می شویم چه نوع شعری مطرود است و نباید سروه شود، و دیگر اینکه آن شعری که موجه است چه خصوصیهائی را باید دارا باشد.

۱ - از قول پیامبر درباره امرؤ القیس که چهل سال قبل از ظهور اسلام به شهرت رسیده بود چنین نقل شده است:

” اشعرالشعرا و قائد هم الى النار، “

او از تمامی شاعران هم عصرش شاعرانه تر می سرود و آنان را به سوی دوزخ هدایت می کرد: حال ببینیم از شعر امرؤ القیس چه چیزهایی در می یابیم؟

وصف جامه های پرتلاؤ شراب، بیان احساسات مست کننده و مخدر، ناله های دلی مجروح بر ویرانه شهرهایی که تندباد حوادث آبادی و حیات را از آنها گرفته است، نشان دادن تصویرهای الهام بخش از صحراهای خشک و ساکت. تمام ادبیات کهن عربستان و مضامین انتخابی شاعران آن سرزمین بر همین قرار بوده است. امرؤ القیس

بیشتر به خیال می پردازد تا به خواست انسان و بطور کلی گویی بر ذهن خواننده داروی مخدر و افیون می ریزد. انتقاد پیامبر این اصل هنری مهم را روشن می سازد که هنرزیبا لازم‌اش آن نیست که برای زندگی هم مفید و خوب باشد. یک شاعر ممکن است شعری خوب بسراید و با همان پیام جامعه خویش را هم به سوی دوزخ بکشد. یک شاعر یگانه ذاتی اغواکننده است. وای به حال ملتی که شاعرش به جای نشان دادن تلخی‌ها و سختی‌های زندگی جلوه‌های فریبنده و جذبات را ترسیم کند و زوال و فساد را با توانایی‌های هنری خویش همراه با افتخارات تزیین کند و جامعه خویش را با فریبکاری به سکوت و آرامش وا دارد. شاعر گذشته از غنای طبع، باید از آن قدرت و زندگی که در خویشتن سراغ دارد، سخاوتمندانه به دیگران انتقال دهد، نه آنکه امید و نیروی آنان را، چون را هزبان برباید.

بیت زیر را از عنتره عبسی بر پیامبر خواندند:

ولقد ابیت علی الطوی واطنه حتی افال به کریم الکامل، و به راستی
من تمام شبهای پر مشقت را گذراندم تا بتوانم با شایستگی معاشم
را در حد یک انسان شرافتمند به دست آورم،

پیغمبر که خود برای شکوه بخشیدن به زندگی و زیبا ساختن مظاهر
تلخ و زشت حیات مأموریت داشت به حدی تحت تأثیر این بیت
قرار گرفت که به همراهان گفت :

« ستایش یک عرب هرگز در من آن هیجان را برنمیگیزد که
تمایلی به دیدار او در خود احساس کنم ، اما به شما می گویم آرزو
دارم گوینده این شعر را ببینیم ، » .

پیامبر را در نظر آورید ، که نگاهی به سیمای نورانی او موجب
برکات و سعادت می شد ، تحت تأثیر شعر عربی کافر و بیدین قرار می
گیرد و دیدار او را آرزو می کند . در این که پیامبر آرزو کرد
شاعری را بیش از حدارج نهد ، چه رازی نهفته بود ؟

این بدان جهت است که شعر زندگی بخش و به دور از آلودگیهاست ،
بخاطر آن است که شاعر می خواهد رنجها و آرزوهای سخت کوشی
شرافتمند را بنمایاند .

ستایش پیامبر از این شعر یک اصل مهم و پر ارزش هنری را
بر ما مسلم می دارد ، اینکه هنر تابع زندگی است و از آن برتر نیست .
هدف نهائی تلاشهای انسان برای زندگی است . و شکوه و توانایی
فراوان . تمام هنر انسانی باید تابع این هدف اصلی قرار گیرد و هر

تصمیمی باید با توجه به مؤثر بودن آن در محدوده زندگی اتخاذ شود. برترین هنرها آن است که تواناییهای نشناخته و خفته ما را بیدار سازد و به ما قدرتی ببخشد تا در مشکلات زندگی برخوردی انسانی از خود نشان دهیم. از هر چیز که در ما مستی و خواب آلودگی ایجاد می کند و ما را دچار حالتی می سازد که چشم خویش را بر روی واقعیات پیرامون خود ببندیم باید دوری کنیم، همان واقعیاتی که می تواند ضامن موفقیت ما در زندگی باشد، پیام تباهی، زوال و مرگ است. در هنرها نباید تباهی و فساد خویشتن را بخواهیم. این اعتقاد که هنر برای هنر است ابتکاری هوشیارانه برای نیستی و زوال است تا ما را فریب دهد که از مسیر زندگی و توانایی جدا افتیم.

بدین ترتیب ستایش پیامبر از شعر، «عنتره»، اصول اساسی و غائی را برای ارزیابی تمامی هنرها در اختیار ما می گذارد.

۲۷ ژوئیه ۱۹۱۷ء

یادداشت‌های پراکنده (۳)

(۱)

فلسفه هگل در شعر لسان العصر، اکبر (۱)

هگل فیلسوف بزرگ تصور گرای آلمانی است. در نظری آفرینش حقیقت مطلق است که بصورت کامل به جای مانده و گوهر آن همان است که در حالت کثرت قابل رؤیت و ادراک می باشد. پیروان هگل اختلاف نظر دارند که مرحله رجعت کثرت به وحدت موقتی است یا ابدی. اساس نظریه هگل این است که هدف از کثرت، ارجاع عناصر متخالف است که حقیقت مطلق برای حفظ تجرد و نامتناهی بودن اولی خود از این ترکیبها گذر می کند. در ابتدای مرحله تحرک چون ما از اصل مطلق دور می گردیم تناقضات وجودی همراه با هم و به سرعت نزول و خروج می یابند ولی در مراحل پایانی آن سرعت نا محسوس می گردد و چون به مرحله نهائی میرسیم عناصر متناقض وحدت می یابند. پس عصاره تفکر هگل این است که سرانجام نامحدود تبدیل می شود به محدود و تناقضات شدید، تحلیل می

یابد و بنا بر این ، مدار زندگانی جهان مبتنی است بر تنازعات پی در پی . این توضیح کوتاه شاید فلسفه جدلی هگل را کمی روشن سازد ولی شعر ساده اکبر اله آبادی به زبان اردو ، این مبحث را به مراتب روشن تر عرضه می کند (۲) : چون هستی جهان محدود است هزاران پیچیدگی و ژولیدگی در آن بوجود می آید و عقیده ها و عقل ها به هم می آویزند (ترجمه) .

(۱) سید اکبر حسین رضوی اله آبادی (۱۸۴۶ - ۱۹۲۱ م) ملقب به لسان العصر شاعر ملی و طنزگو و فکاهی است و اقبال از ارادتمندان صمیمی او بود و در رئایش اشعار غرائی سرود و این اشعار در نخستین چاپ منظومه پیام مشرق درج شد :

دریغاکه رخت از جهان بست اکبر حیاتش به حق بود روشن دلیلی
 سر ذروه طور معنی کلیمی به بتخانه دور حاضـر خلیلی
 نـوای سحرگاه او کاروان را اذان درایی پـر—ام رحیلی
 ز دلها بر افکنده اولات و عزلی به جانها گش—ایندۀ سلسبیلی
 دماغش ادب خورده عشق و مستی دلش پرورش داده جب—رئیلی

(۲) جهان هستی هوئی محدود لاکهون پیچ لڑتی ہیں
 عقیدی عقل عنصر کی سب آپس میں لڑتی ہیں .

تنـازع نیروها در طبیعت آنقدر واضح است که نمی تواند از چشمان شاعران و مفکران پوشیده ماند. شاعر انگلیسی زبان تنی سن (۱) این مطلب را به وضوح بیان داشته و شاعر ما عرفی نیز این نزاع را با شکوهمندی تمام چنین سروده است :

به چشم مصلحت بنگر مصاف هستی را
که هر خاری در این وادی درفش کاویان بینی

ویژگی شعر اکبر ابن است که او در چند لفظ ساده و منتخب نه موضوع نزاع را بیان کرده بلکه به علت هم اشارت نموده است یعنی محدودیت نا محدود. او پس از آنکه به عقیده و عقل اشاره بلیغ نموده این نکته را نیز می فهماند که نزاع تنها در عناصر مادی نیست بلکه در فضای ذهن و فکر هم راه یافته است. در این زمینه کتاب معروف الکساندر، نظام اخلاق و پیشرفت آن، (۲) برای شما توضیح خواهد داد که عقاید و تصورات و روندهای زندگانی همواره با سکوت و جنگ و خونریزی جای خود را به یکدیگر می دهند و در دفع و جذب یکدیگر پی در پی اشتغال می ورزند (۳).

-
۱. Lord Alfered Tennyson (1892 A.D.) (۱)
 ۲. Moral Order and Progress. (۲)
 ۳. آویزش و مقاومت و تنازع بقاء و کیفیت بقای اصلح را اقبال در آغاز مثنوی اسرار خودی توضیح داده است.

نیچه و جلال الدین رومی

می گویند مقایسه بین دو امر کار ناپسندی است . اما در هر حال من برآنم که توجه شما را به تطبیقی ادبی معطوف بدارم که نه تنها زشت و بی-زار کنند نیست ، بلکه آموزنده هم به حساب می آید . نیچه و مولانا جلال الدین رومی در دو قطب فکری مخالف قرار گرفته اند . اما در تاریخ ادبیات و سیر اندیشه همان ارتباط و یا اختلاف است که گاه چون کانونی مشخص جلب توجه می کند . علی رغم فاصله حیرت انگیز معنوی که درمیان این دو وجود دارد ، از لحاظ افکار عملی این دو شاعر فیلسوف کاملاً به یکدیگر نزدیکند . نیچه فساد و زوال انسانی را در پیرامون خویش دریافت و تمامی عوامل و نیه-روهایی را که موجب این تباهی بود آشکار کرد و در نهایت شیوه ای که متناسب با زندگی در این جهان است عرضه داشت . اصل مهم تفکر نیچه در این جمله خلاصه می شود ، « امروز دیگر مسأله آن نیست که بشر چگونه باقی می ماند ، بلکه باید بدانیم چگونه به کمال می رسد » .

رومی بزرگوار زمانی درمیان مسلمانان درخشید که اصول ضایع کننده حیات و اندیشه و ادبیاتی به ظاهر زیبا و دلپذیر ، اما در باطن

فلج کننده خون مسلمانان آسیا را مکیده و راه را برای پی-روزی سهل الوصول تا تارها آماده کرده بود. او در این شرایط در تنگناهای زندگی، و در برابر بی لیاقتی ها، نقص و فسادهای اجتماعی که خود بخشی جزئی از آن به حساب می آمد، کمتر از نیچه حساسیت نشان نداده است.

در اینجا ملاحظه کنید با چه دید حکیمانه و روشنی بیماری همه گیر جامعه خویش را بازگو می کند و وجوه ایده الی انسان مسلمان را بیان می دارد.

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
کز دیو و ددملولم و انسانم آرزو ست
زین همرهان مست عناصر دلیم گرفت
شیخ خدا و رستم دستانم آرزو ست
گفتم که یافت می نشود جسته ایم ما
گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست
و من این بیت نظری را باش مکتب فلسفی هم عوض نمی کنم،
نیست در خشک و تربیشه من کوتاهی
چوب هر نخل که منبر نشود دار کنم

I am profoundly thankful to Mr. Ali Pirnia and Dr. Ahmed Tamimdari, Director, Iran Pakistan Institute of Persian Studies, Islamabad who have very kindly reviewed and improved my translation. Their nice cooperation and blessings have made the version heart-felt for Persian readers. I see the version almost faultless. I wish to thank these friends once more for checking out the proofs of the book so minutely. Long live their love for Allama Iqbal and Pakistan.

Allama Iqbal Open University
Islamabad.

28th Feb., 1989

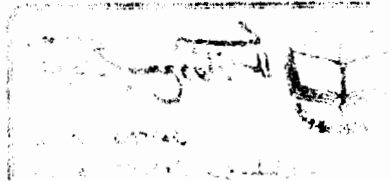
Prof. Dr. Muhammad Riaz
Chairman

Deptt. of Iqbaliyat

INTRODUCTION BY THE TRANSLATOR/ANNOTATOR

"Stray Reflections" consists of 125 notes and anecdotes by Allama Muhammad Iqbal which he had started writing on 27th April, 1910 but the date of completion of these notes is not known. This thoughtful note book of Allama Iqbal was edited by his celebrated son Dr.(Justice) Javid Iqbal and got published under the auspices of Sh. Ghulam Ali and Sons in 1961 from Lahore. It is interesting to note that 36 notes were published in two issues of the Journal 'New Era' of Lucknow in the year 1917. 29 of these notes are common with the Stray Reflections as published from Lahore but six are not included in this collection. Five of these notes are essay/paragraph type like lengthy while one is very short. These notes make a part of the book Thoughts and Reflection of Iqbal edited by late Sayyid Abdul Wahid and published by late Sh. Muhammad Ashraf famous publisher of Kashmiri Bazar, Lahore. I am happy that I have been able to bring out the complete Persian translation of 131 notes.

In March, 1986 I had the privilege of participating in 'Iqbal International Congress at Tehran, Iran. I made a part of 5 member delegation from Pakistan which consists upon Dr.(Justice) Javid Iqbal, Prof. Mirza Muhammad Munawwar, Prof. Dr.A.Shakoor Ahsan and Prof. Dr. Sayyid Muhammad Akram. At that time I had talked about the plan of Persian translation of this small book of Allama Iqbal and it is rejoicing to note that it has come out now. Stray Reflections include in the thoughtful prose writings of Allama Iqbal which he had started writing from 1902. His other writings are captioned 'Qaumi Zindagi' (National Life), Political thought in Islam, Islam as a moral and political ideal and Muslim community: Socio-logical study. These articles had appeared before or simultaneous to the creation of Stray Reflections in 1910. This note book and Iqbal's above cited prose writings are common to some of his Urdu verses recited upto 1910. However, this translator/annotator has no space to put forth a comparison in this context, here.



Name: Stray Reflections.
Author: Allama Mohammad Iqbal.
Editor(English): Dr. Javid Iqbal.
Translator/Annotator: Dr. Muhammad Riaz.
Editor(Persian): Ali Pirnia, Dr. Ahmad Tamimdari.
Preface: Dr. Ahmad Tamimdari.
Typist: Abdul Rashid.
Publisher: Iran Pakistan Institute of Persian
Studies, Islamabad.
Tel: 811091
820880
Size: 18x23/8
Serial No: 113
Copies: 1000
Printers: Manza Press, Islamabad.
Date: March, 1989
Price: Rs. 45/-



**Publications of Iran Pakistan
Institute of Persian Studies**



**Serial No. 113
Persian Literature
No. 21**